

## سخن سردی‌پس



اسلام در کنار مردان بزرگ از زنانی صحبت می‌کند که قرین فرشتگان و هم‌کلام آنها، مورد توجه پیامبران و مقدم بر بسیاری از آنان و کوثری از ناحیه خدا هستند و این نمایانگر شخصیت والای زن است. تاریخ اسلام مملو از زنان نمونه ای است که هر کدام در زمان خود راه کمال را پیمودند و الگوهایی هستند که زنان مومن می‌توانند با تمسک به سیره و منش آنان قله‌های مرتفع دین را ببینند. یکی از این بانوان نمونه، حضرت خدیجه (س) همسر وفادار و یاور پیامبر اسلام (ص) می‌باشد؛ همو که هم‌گوهر بود و هم‌گوهرشناس هم خود صدفی برای پرورش گوهر شد. برای خدیجه (س) همین افتخار بس که نخستین زن ایمان آورنده به اسلام بود و فرزندان و نوادگان او ستاره‌های درخشان آسمان آزادی شدند. در آن زمان که بسیاری از مردها در تشخیص حقانیت اسلام مردد بودند، این بانوی بزرگوار حق را به درستی تشخیص داد. حضرت خدیجه کبری (س)، از جمله انسانهایی است که مظلومانه زیست، مظلومانه درگذشت و هنوز از پس گذار قرون و اعصار ناشناخته باقی مانده است.

حضرت خدیجه (س) همدم شبهای تاریک پیامبر (ص)، بدون شک تأثیری عظیم بر رشد یافتن نهال مقدس اسلام داشت. ایشان در سخت‌ترین و طاقت‌فرسایترین شرایط رسول الله را تنها نگذاشت و پایه پای او در برابر تمام دنیای کفر ایستاد و در نهایت از نثار جان خویش هم دریغ نکرد؛ و پیامبر اسلام در غم و اندوه او سال کوچش را «عام الحزن» نامید. زندگی حضرت خدیجه را می‌توان نمونه‌ای کامل از تحول مثبت و سیر به سمت کمال دانست، زیرا خدیجه (س) بیش از چهل سال از زندگی‌اش را در دوران جاهلیت سپری کرد آنگاه با غلبه بر تمام تضادهای موجود اجتماعی دل به اسلام سپرد و به اولین اجتماع کوچک اسلام گام نهاد. زندگانی او چون پلی است که ابتدای آن در دوران جاهلیت و انتهایش در دوران اسلامی است. اما او کسی است که در همان دوران جاهلیت او را طاهره می‌نامیدند.

سخن از حضرت خدیجه علیها السلام، سخن از یک دنیا عظمت و پایداری و استقامت در راه هدف است. به حق قلم فرسایی در باره کسی که خداوند بر او سلام و درود فرستاد، بسی مشکل است. اما به مصداق «مالا یدرک کله لا یتدرک کله»، ما را بر آن داشت هر اندازه اندک و ناچیز به بررسی گوشه‌هایی از شخصیت و زندگی این بزرگ بانو اسلام بپردازیم.





# شخصیت حضرت خدیجه (س)

محمد بن عمر بن واقد، از نفیسه دختر منیه (از زنان هم‌عصر حضرت خدیجه علیها السلام) نقل می‌کند:

«خدیجه، دختر خویلد بن اسد بن عبد‌العزی بن قصی، بانویی خردمند، دوراندیش و والاگهر بود. خداوند متعال برای او خیر و کرامت اراده نمود. خدیجه از نظر نسب، شرف و ثروت، برگزیده‌ترین زن قریش بود. تمام مردان قریش در آرزوی ازدواج با او بودند و برای این منظور، از او خواستگاری کرده و (حتی) حاضر بودند، مهریه‌ای سنگین بپردازند.»<sup>۷</sup>

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- ابن حزم، علی بن احمد، جمهره أنساب العرب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق، ص ۱۲۰.
- ۲- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳.
- ۳- ابن حزم، جمهره أنساب العرب، پیشین، ص ۱۲۱، ابن حجر، الاصابه، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیة ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۵.
- ۴- ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق: مصطفی سقا و ابراهیم ایباری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالقلم، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۳.
- ۵- ابن عبدالبر، الاستیعاب، تحقیق: علی معوض و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۷۹؛ ابن حجر، الاصابه، پیشین، ج ۸، ص ۳۴۷؛ حلبی، ابوالفرج، السیره الحلبیة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۱۹۹.
- ۶- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۵۶.
- ۷- ابن سعد، الطبقات الکبری، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ابن حجر، الاصابه، پیشین، ج ۸، ص ۱۰۱.

بررسی نقش حضرت خدیجه علیها السلام در پیش‌برد اسلام، نیازمند شناخت شخصیت و زندگی ایشان می‌باشد.

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد بن اسد<sup>۱</sup> از زنان فداکار و با فضیلت اسلام، نخستین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادر فاطمه زهرا علیها السلام است. وی با رسول خدا صلی الله علیه و آله خویشاوندی نزدیکی دارد و با سه واسطه در نسب، به قصی بن کلاب می‌رسد که جد چهارم رسول خدا صلی الله علیه و آله است. نام مادر حضرت خدیجه علیها السلام، فاطمه دختر زائد، از تیره عامر بن لؤی است.<sup>۲</sup> نوفل (پدر ورقه)، حزام (پدر حکیم و از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله) و عوام (پدر زبیر)، از اشخاص سرشناس قریش، همگی برادران خدیجه علیها السلام هستند.<sup>۳</sup>

حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال پیش از عام‌الفیل، در مکه متولد شد. در دوران جوانی با تجارت و بازرگانی، از نظر مادی جزء ثروتمندترین افراد قریش شد<sup>۵</sup> و چون خود را به درجه‌ای از کمال و پاکی رسید که به او لقب «طاهره» دادند.<sup>۶</sup>

بعد از اسلام نیز به عنوان نخستین «أمّ المؤمنین» در قرآن مورد توجه قرار گرفت.

حضرت ابوطالب (ع) به هنگام خواندن خطبه عقد ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام که حدود ۱۵ سال قبل از بعثت اتفاق افتاد، جناب خدیجه علیها السلام را چنین توصیف کرده است: «ان خدیجه امرأة كاملة میمونة فاضلة تخشى العار و تحذر الشنار»<sup>۳</sup> همانا خدیجه، بانویی کامل، پریمیمنت و مبارک و زینده است؛ بانویی که ساختش از هر ننگ و بدنامی دور بوده، باشخصیت و آبرومند است.»



# توصیف حضرت خدیجه (س) در قرآن و کتب آسمانی

۲- درختی که دوازده نوع میوه دارد: در اینجا حضرت خدیجه علیها السلام شبیه به درختی شده است که ثمره آن دوازده نوع میوه می باشد. یعنی همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خودش را بسان درختی معرفی کرده و می فرماید: «من درختم و فاطمه علیها السلام اصل و ریشه آن و علی علیه السلام عامل باروری آن و حسن و حسین علیهما السلام میوه های آن می باشند.»

حضرت خدیجه علیها السلام نیز این چنین بوده است و با پیوند ازدواجی که بین آن حضرت و رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت گرفت ثمره آن امامان معصومی که تعداد آنها دوازده نفر می باشد، شد. یعنی حضرت خدیجه علیها السلام علاوه بر اینکه «ام المؤمنین» بوده است، «ام الائمه المعصومین علیهم السلام» نیز بوده است. و امام امیر مؤمنان علی علیه السلام که اولین امام از این دوازده نفر است، مادر واقعی خودش را حضرت خدیجه علیها السلام می دانست زیرا عمری است که در خانه آن حضرت و تحت حمایت و تربیت او قرار گرفت.

یازده امام دیگر هم مولود این شجره طیبه هستند که خداوند در قرآن اهل بیت عصمت و طهارت را تشبیه به شجره طیبه کرده است و می فرماید: ای رسول ما ندانستی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به طرف آسمان (رفعت و سعادت) بلند می شود. و آن درخت زیبا به اذن خدا همه اوقات میوه های مأكول و خوش دهد (مثل جان پاک با دانستن و معرفت و افکار و کردار نیکو در منفعت دائم برای خود و دیگران بدان درخت زیبای پرثمر ماند). و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام مثل اعلی و حقیقی این شجره طیبه می باشند.

برگ های درخت موجب شفای امت هاست: و باید گفت که مراد از برگ ها در اینجا، فرزندان و ذراری حضرت خدیجه علیها السلام بویژه علما و بزرگان هستند که در طول تاریخ منشأ خیرات و برکات بوده و با ارشاد و رهنمودهای خود موجب شفای امتها شدند، و مردم را از وادی ظلال و گمراهی به شاهراه هدایت، رهبری نمودند.

همچنین در وصف حضرت خدیجه علیها السلام در انجیل آمده است:

آن حضرت (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) در زندگی خویش همسرانی خواهد داشت ولی نسل ایشان قلیل خواهد بود. نسل او از زنی با برکت و مبارک است.»

در توصیف این بانوی گرامی ابتدا به توصیف و شناخت ایشان در قرآن کریم می پردازیم. حضرت خدیجه علیها السلام نخستین ام المؤمنین است که در قرآن مجید مورد توجه بوده و به طور شخصی نیز در سوره «ضحی» آیه هشتم به نام و اوصاف او اشاره گردیده است.

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ثروتمندترین شخص جزیره العرب بود و حدود هشتاد هزار شتر داشت و کاروان های تجارتی او شب و روز در طائف و یمن و شام و مصر و سایر بلاد در حرکت بودند، برده های بسیار داشت که به تجارت اشتغال داشتند.

حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله همه اموالش را قبل از اسلام و بعد از آن در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت تا آن حضرت هرگونه که خواست آن اموال را در راه خدا به مصرف برساند. و خداوند در مقام بیان نعمت های خود به پیامبر اکرم از جمله می فرماید: «وَوَدَّكَ عَائِلًا فَاُغْنَى؛ خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود.» (ضحی/۸)

این که نام وی در آدرس مذکور در قرآن مجید مورد عنایت قرار گرفته، در تفسیرهای عامه و خاصه و در روایات اهل بیت آمده است، و تصریح کرده اند که مراد از «بی نیاز ساختن پیامبر» مال و بخشش خدیجه علیها السلام بود که همه را در طبق اخلاص گذاشته و برای پیشرفت دین مبین اسلام در اختیار پیامبر قرار داد.

مرحوم شیخ صدوق رحمه الله در تفسیر این آیات می نویسد: بدان دلیل آن حضرت «یتیم» خوانده شد که در کران تا کران هستی بی نظیر و تک نسخه است، چرا که این واژه به مفهوم بی همانند آمده است. به همین جهت خدا با اشاره به نعمتهای گرانس به او و می پرسد: آیا خدایت تو را تک نسخه و بی همانند نیافت؛ و پناه داد و برتری و شکوه تو را به مردم شناساند و تو را بلند آوازه ساخت؟! و تو را تنگدست یافت، و به وسیله ی ثروت هنگفت خدیجه علیها السلام بی نیاز گردانید. بسیاری از مفسران بر آنند که توانگری پیامبر صلی الله علیه و آله به مال خدیجه علیها السلام بوده است و خداوند متعال در این آیه به کنایه از خدیجه علیها السلام و احسان او یاد فرموده است.

خداوند در کتاب های آسمانی پیشین حضرت خدیجه علیها السلام را به نهر آبی تشبیه نموده است که آب آن، حیات است و بر دو کرانه آن، درختان حیا سر کشیده اند و دارای دوازده نوع میوه اند و برگ های آن درختان، موجب شفای امت هاست. در اینجا حضرت خدیجه علیها السلام تشبیه به سه چیز شده است:

۱- آب حیات: که الحق این تشبیه، تشبیه به جا و به دور از اغراق است. یعنی همان گونه که آب مایه حیات همه موجودات است، اسلام هم به موجب ایثار، انفاق، گذشت و فداکاری های حضرت خدیجه علیها السلام حیات پیدا کرد، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حق مطلب را در این مورد ادا کرده است و می فرماید: «ما قام ولا استقام الدین الا بسیف علی علیه السلام و مال خدیجه علیها السلام»

## منبع:

\* خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام

تألیف: حسین تهرانی، ص ۱۱۴

\* دانشنامه حضرت خدیجه علیها السلام





وَأَلِ إِبْرَاهِيمَ وَ أَلِ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ: (بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۳۷، ص ۶۳). ای عایشه! آیا نمی دانستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه [علیها السلام] را [برگزید و] بر همه جهانیان برتری داد!

از این رو، آن بانوی برگزیده، به عنوان سرور زنان عالم شناخته می شود؛ چنان که رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] در کلام دیگری فرمود: «سَادَاتُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ» (شرح نهج البلاغه، عبد الحمید بن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۲۶۶). سالار زنان جهان چهار [زن] هستند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، آسیه دختر مزاحم، و مریم دختر عمران. و در زیارت نامه اولاد ائمه [علیهم السلام] می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيَّ خَدِيجَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۷۲). سلام بر خدیجه سالار بانوان گیتی.

## ۲. برخورداری از سلام خداوند و جبرائیل [علیه السلام]

از پیامبر اکرم [صلی الله علیه و آله] نقل کرده اند که فرمود: در سفر آسمانی معراج، به هنگام بازگشت، از جبرائیل [علیه السلام] پرسیدم که آیا سفارش و پیامی هست؟ او گفت که درود و سلام خدا و فرشته فرمانبردارش را به خدیجه [علیها السلام] برسان! پیامبر [صلی الله علیه و آله] نیز پس از بازگشت، هنگامی که همسر بزرگوارش خدیجه [علیها السلام] به پیشوازش آمد، سلام خدا و فرشته وحی را به او رساند و آن بانوی با ادب و کمال در جوابی که حکایت از معرفت والای او دارد، پاسخ داد:

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ جِبْرِيلُ السَّلَامُ؛ همانا خداوند خود سلام است و سلام و سلامتی از سوی او و به سوی او است و بر جبرائیل سلام و درود باد!» (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۰).

در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام کمتر بانویی همچون حضرت خدیجه [علیها السلام] همسر بزرگوار رسول خدا [صلی الله علیه و آله] درخشیده است. بهره مندی از صفات عالی انسانی و رفتار برخاسته از بینش متعالی او چنان شخصیتی از وی ساخته که تا سال ها پس از رحلت جانسوزش، هر گاه پیامبر اکرم [صلی الله علیه و آله] نام او را می شنید، اشک بر گونه های مبارکش جاری می گشت و از او به بزرگی یاد می نمود.

بانوی طهارت و ایمان، حضرت خدیجه [علیها السلام] در زندگی سراسر پر افتخارش از امتیازات بسیاری بهره ور بود که هر کدام نشان از شرافت مقام و جایگاه والای آن بانو دارد. امتیازات پر شکوهی چون: مباحات خداوند به وجود او بر ملائکه، برخورداری از سلام و درود خدا و فرشته وحی، افتخار همسری و همدمی بی نظیر با رسول خاتم [صلی الله علیه و آله]، افتخار مادری نسل پاک پیامبر اکرم [صلی الله علیه و آله]، برگزیده شدن از بین زنان عالم، نیل به مقام کمال انسانی، دریافت نوید ورود به بهشت مقربان الهی و موقعیت والا در بارگاه رحمانی. در ادامه به بررسی برخی از مهم ترین امتیازات و فضایل آن بانو می پردازیم:

## ۱. مقام اصطفا

«اصطفاء» از ماده «صفو» به معنای برگزیدن صاف و خالص هر چیز است. (لسان العرب، جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور، ج ۱۴، ص ۴۶۲: «الصفوة: خيار الشيء و خلاسته و ما صفا منه.») و مراد از آن در آیات قرآن، نوعی انتخاب و اختیار و برتری دادن فرد یا افراد بر سایرین توسط خداوند است. (المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۴). از این منظر، حضرت خدیجه [علیها السلام] دارای مقام اصطفا بود و به صراحت روایات، نه تنها برگزیده در بین همه زنان عالم، بلکه برگزیده در میان تمامی انسان ها اعم از زنان و مردان بود.

اگر در قرآن کریم این ویژگی به حضرت مریم [علیها السلام] نسبت داده شده و فرموده است: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَأِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران / ۴۲). [به یاد آورید] هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است. اما رسول اکرم [صلی الله علیه و آله] یکی از مصادیق این آیه را همسر گرامی اش خدیجه [علیها السلام] معرفی نموده است. به فرموده امام علی [علیه السلام]، رسول خدا [صلی الله علیه و آله] پس از تلاوت آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ...»، فرمود: «علی جان! بهترین زنان عالم، چهار زن هستند: مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، و آسیه دختر مزاحم.» (مناقب آل ابی طالب، محمد بن شهر آشوب، ص ۳۲۲).

و در روایت دیگر نقل شده که روزی پیامبر خاتم [صلی الله علیه و آله] وارد خانه شد و مشاهده کرد که فاطمه زهرا [علیها السلام] عایشه در حال تفاخر هستند؛ به گونه ای که صورت هر دو سرخ شده است. حضرت با اطلاع از موضوع، رو به عایشه کرد و با استناد به آیه ۳۳ سوره آل عمران که در باره اصطفا و تعدادی از پیامبران الهی است، اصطفا و برتری حضرت خدیجه [علیها السلام] را نیز متذکر شده، فرمود: «يَا عَائِشَةُ أَوْ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ



همچنین روایت شده که روزی فرشته وحی به نزد رسول خدا ﷺ آمد و از خدیجه علیها السلام پرس و جو کرد و چون او را نیافت، به پیامبر ﷺ گفت: «إِذَا جَاءَتْ فَاخْبِرْهَا أَنَّ رَبَّهَا يَقْرئُهَا السَّلَامَ» (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸). هنگامی که خدیجه علیها السلام آمد، به او خبر ده که پروردگارش به او سلام می‌رساند.

### ۳. مباحثات خداوند بر ملائکه به وجود او

آن گاه که پیامبر گرامی اسلام ﷺ مأموریت یافت که برای انجام یک برنامه عبادی، چهل شبانه روز به دور از همسر با وفایش به نیایش بپردازد، برای خدیجه علیها السلام فرستاد که: «يَا خَدِيجَةُ لَا تَطْنِي أَنْ انْقِطَاعِي عَنْكِ [هِجْرَةُ] وَلَا قَلِيَّ وَ لَكِنْ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ أَمَرَنِي بِذَلِكَ لِتَنْفِذِ [لِيُنْفِذَ] أَمْرَهُ فَلَا تَطْنِي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيُبَاهِي بِكِ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مِرَارًا» (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۷).

ای خدیجه! گمان نکنی که دوری گزیدن من از تو به خاطر بیزاری و تنفر است، بلکه پروردگارم مرا به این [برنامه عبادی] فرمان داده تا امرش را اجرا نماید. پس ای خدیجه! گمانی جز خیر نداشته باش که خداوند عزیز و جلیل هر روز چندین مرتبه به [وجود شایسته] تو بر فرشتگان گرانمایه‌اش مباحثات می‌کند و می‌بالد. و بدین ترتیب، رسول خدا ﷺ همسر با وفایش را که تحمل دوری از وی برایش سخت می‌نمود، نسبت به برنامه عبادی خویش مطلع ساخت و او را به توجه و عنایت ویژه پروردگار دلدار می‌داد.

### ۴. افتخار مادری بر نسل پیامبر ﷺ

امتیاز دیگر حضرت خدیجه علیها السلام این است که از بین تمامی زنان جهان و نیز از میان همه زنان پیامبر اکرم ﷺ تنها او است که به عنوان رویشگاه طیب و پاکیزه فاطمه اطهر علیها السلام، این کوثر همیشه جاری برگزیده شد و شایسته مادری نسل پاک رسول اعظم ﷺ که شریف ترین تبار بر روی زمین‌اند، گردید. به فرموده امام صادق علیه السلام، روزی رسول خدا ﷺ وارد خانه خدیجه علیها السلام شد و دید که او با کسی سخن می‌گوید، پرسید: با که سخن می‌گویی؟ خدیجه علیها السلام پاسخ داد: کودکی که در بطن دارم، با من صحبت می‌کند و با من مأنوس است. پس پیامبر ﷺ فرمود: «يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّهَا أَنْتِ وَأَنَّهَا النَّسْلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلَهَا مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أئِمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲). ای خدیجه! این جبرائیل علیه السلام است که به من خبر می‌دهد آن کودک، دختر و نسلی پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالی به زودی نسل مرا از او قرار می‌دهد و از او امامانی به وجود می‌آورد که جانشینان خدا در روی زمین بعد از تمام شدن وحی او خواهند بود.

و این چنین حضرت رسول ﷺ حتی قبل از ولادت فاطمه زهرا علیها السلام خبر مادری خدیجه علیها السلام بر نسل مطهر آخرین پیامبر ﷺ را به او بشارت داد. همچنین نقل شده که پیامبر اکرم ﷺ روزی به فاطمه علیها السلام که دیگران از روی شماتت مادر او را زنی پیر و سالخورده شمرده و او را دلگیر ساخته بودند، موضوع مادری بر ائمه اطهار علیهم السلام را مایه فخر دانسته، فرمودند: «إِنَّ بَطْنَ أُمِّكَ كَانَتْ لِلْإِمَامَةِ وَعَاءً» (مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۵). [فاطمه جان! همین افتخار برای تو بس که] بطن مادرت ظرفی برای امامت بود.

### ۵. حضرت خدیجه علیها السلام و نائل شدن او به مقام رضا

یکی دیگر از ویژگی‌های حضرت خدیجه علیها السلام آنست که آن حضرت نائل به مقام رضاشد، از این رو ملقب به لقب «راضیه» گردید، یعنی کسی که سر به فرمان الهی نهاده و راضی به آنچه راکه خداوند برای او مقدر کرده می‌باشد. و مؤید این مطلب روایتی است که از امام صادق در این زمینه نقل شده است که فرمود: «خداوند متعال ده خصلت را به ده نفر از زنان عالم عطا نموده است:

۱. توبه را به حضرت حوا، همسر حضرت آدم علیه السلام ۲. زیبایی را به ساره، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام ۳. محافظت از خود را به همسر حضرت ایوب علیه السلام ۴. احترام و حرمت را به آسیه، همسر فرعون ۵. حکم را به زلیخا، همسر حضرت یوسف علیه السلام ۶. عقل را به بلقیس، همسر حضرت سلیمان علیه السلام ۷. صبر را به برخانه، مادر حضرت موسی علیه السلام ۸. برگزیدگی را به حضرت مریم، مادر حضرت عیسی علیه السلام ۹. مقام رضا و خشنودی را به حضرت خدیجه علیها السلام، همسر رسول ﷺ خدا ۱۰. علم را به حضرت فاطمه علیها السلام، همسر امیرمؤمنان علی علیه السلام.

پس بنابراین در میان ده خصلتی را که خداوند متعال به ده زن فرموده است، خصلت «رضایت و خشنودی» را به حضرت خدیجه علیها السلام عطا می‌نماید، و هر کسی که راضیه باشد به استناد قرآن کریم مرضیه نیز خواهد بود. (ر.ک: سوره فجر، آیه ی ۲۷ تا ۳۰)



## ۶. از جمله اصحاب اعراف

اعراف منطقه مرتفع و گذرگاه مهمی است حد فاصل میان بهشت و دوزخ که به بیان قرآن، گروهی بر آن قرار دارند و بر بهشتیان و جهنمیان اشراف داشته، هر یک از آنان را به چهره می شناسند و بر اصحاب جنت درود فرستاده، اصحاب دوزخ را سرزنش و ملامت می کنند. حضرت خدیجه علیها السلام از جمله افرادی است که به عنوان اصحاب اعراف معرفی گردیده است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از آیه ۴۶ سوره اعراف که می فرماید: «وَبَيْنَهُمَا جَبَابٌ...» در میان آن دو (اهل بهشت و اهل جهنم) حجابی قرار دارد...» فرمود:

«سُورُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ قَائِمٌ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ وَ خَدِيجَةُ فَيَنَادُونَ أَيْنَ مُحِبُّنَا أَيْنَ شَيْعَتَنَا فَيَقْبِلُونَ إِلَيْهِمْ فَيَعْرِفُونَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ فَيَأْخُذُونَ بِأَيْدِيهِمْ فَيَجُوزُونَ بِهِمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَ يَدْخُلُونَهُمُ الْجَنَّةُ» (تأویل الآیات الظاهرة، سید شرف الدین حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۲)

حصاری است بین بهشت و دوزخ که بر آن محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه ایستاده اند. پس ندا می دهند که کجایند محبان ما؟ کجایند شیعیان ما؟ آن گاه به سوی ایشان رو می آورند و آنان را به اسمشان و اسم پدرانشان می شناسند و این است معنی سخن خداوند که: "هر کس را به سیمایش می شناسند." پس دست آنان را گرفته و بر صراط گذر داده، وارد بهشت می کنند.

## ۷. مقام شفاعت حضرت خدیجه علیها السلام

یکی دیگر از منزلت هایی که در روایات برای حضرت خدیجه علیها السلام در آخرت ذکر شده، این است که آن حضرت نه تنها مشمول شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار خواهد گرفت، بلکه خود در مقام شفاعت و دستگیری دوستداران و شیعیان گنهکار در روز قیامت قرار خواهد گرفت؛ همان گونه که در مورد قبلی به آن اشاره شد، که ایشان از اصحاب اعراف می باشند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خدیجه دختر خویلد از نظر ایمان اولین زن عالم است و در میان اهل بیت من او اولین کسی است که مورد شفاعت من قرار خواهد گرفت. و بعد از او نزدیکترانم و بعد نزدیکان را و سپس انصار را و بعد از آنها هر کسی را که به من ایمان آورد و از من تبعیت کرد و سپس انصار را و بعد از آنها هر کسی را که به من ایمان آورد و از من تبعیت کرد و سپس اهل یمین و بعد از آنها سائر عرب و سپس غیر عرب را شفاعت می کنم و هر کسی را که من اول از همه او را شفاعت کنم برتر از همه خواهد بود. (کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۲، ص ۹۴)

حضرت خدیجه علیها السلام با این جایگاه رفیع که اولین و برترین شخص مورد شفاعت حبیب خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله هستند، خودشان شفاعت کننده محبان و شیعیان خواهند بود.

## ۸. در زمره مقربین بهشتی

عالی ترین درجات بهشتی به تصریح قرآن کریم از آن پیشگامان مقرب است (ر. ک: سوره واقعه و سوره مطففین). که در سرای دنیا نه تنها در ایمان و اعتقاد که در اعمال خیر و صفات و اخلاق والای انسانی پیشقدم بوده و به عنوان اسوه و الگوی خلق در راه کمال مطرح می باشند. حضرت خدیجه علیها السلام به بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از کسانی است که در زمره مقربان بهشتی از شراب تسنیم در فردوس برین برخوردار خواهد شد. آن حضرت در توضیح آیه ۲۷ سوره مطففین (و مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ) (مطففین / ۲۷-۲۸) فرمود:

«هُوَ أَشْرَفُ شَرَابٍ فِي الْجَنَّةِ يَشْرَبُهُ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ وَ هُمُ الْمُقَرَّبُونَ السَّابِقُونَ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةُ وَ فَاطِمَةُ وَ خَدِيجَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۵۰؛ نیز ر. ک: همان، ج ۲۴، ص ۶) تسنیم شریف ترین چشمه ای است که در بهشت قرار دارد و محمد و آل محمد از آن می نوشند و ایشان همان مقربان سبقت گرفته هستند که عبارت اند از: رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب و امامان [از نسل او] و فاطمه و خدیجه که درود خداوند بر همه آنان باد!

منبع: خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری، حسین تهرانی، قم، ۱۳۹۰



## به عنوان برترین زن تاریخ

دقت در اسناد روایی و تاریخی معتبر، معیار برتری و راز گزینش خدیجه علیها السلام به عنوان برترین زن تاریخ را این سان نشان می دهد:

۱. نواندیشی و نوگرایی او در آن جامعه و شرایط عقب مانده و تاریک اندیش و غرق در تعصب و خشونت روزگار خویش.

۲. خردمندی و خردورزی و هوشمندی و درایت او، در آن حال و هوایی که مدیریت جان ها و جامعه ها، به جای خردها و وجدانها، در دست

۳. قدرت سنجش و مقایسه و بهترین انتخاب در سه محور حساس، همچون: دین و آیین یا راه زندگی، گزینش شریک زندگی، هزینه نمودن آن ثروت هنگفت، آن هم در آن محیط و دنیایی که دنباله روی از بت نیاکان و زورمداران و آداب و رسوم رایج و غالب، نه تنها وظیفه که ملاک برتری و جواز ادامه حیات هم بود.

۴. عدالت طلبی، آزادی خواهی، حق جویی، برابری خواهی و مبارزه با ظلم و برتری جویی و نژادپرستی.

۵. پاک روشی و پاک منشی، در آن شرایط

۶. استقلال در اندیشه و عمل و موضع گیری شجاعانه به سود حق و عدالت و آزادی، در پیکار استبداد و آزادی.

۷. نفوذ، همراهی و همزمی با پیامبر و مفتخر شدن به مقام مشاور، وزیر شایسته و کارآمد او.

۸. اعتبار، امکانات و خانه خویش را به فروزشگاه دین و آیین و پناهگاه پیامبر و مردم خداجو و حق طلب و آزادی خواه و بی پناه تبدیل ساختن، و پای این کار سترگ، دلیرانه مقاومت و ایثار نمودن.

۹. قدرت شگرف مدیریت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و تجاری.

۱۰. کارآفرینی و گره گشایی و سعادت سازی به انگیزه بشردوستی و مردم خواهی و مهر به بندگان خدا.

در این دنیا خیلی از افراد هستند که مستی های گوناگون، آفت جانسان می شود و نعمت های زندگی بالای وجودشان و رزق و روزی های خدا، زهر تلخ و موجب مرگشان می شود.

یکی در اوج زیبایی و تناسب اندام است، و همان مستی زیبایی و ماهرویی، آفت جانان می شود. دیگری غرق در ثروت و امکانات است و از در و دیوار و آسمان و زمین برایش می ریزد، ولی همان ثروت و دارایی او را به تباهی و نابودی می کشاند. سومی در اوج اقتدار است و روزگار بر وفق مرادش است، و این چرخش یکنواخت روزگار و احساس بی نیازی، او را از چرخش ناگهانی آن غافل ساخته و به طغیان می کشاندش. چهارمی مست جوانی است، و این نیروی جوشان و خروشان، قاتل جان و ایمان و خروش می شود. یکی دریای مواج آگاهی ها و دانش هاست و در مستی آن غرق است و دیگری در اوج شهرت است و همان آلت قتاله شخصیت او می شود. یکی بر کرسی قدرت و فرمانروایی جا خوش کرده و همان ریاست و راحتی، او را به خودکامگی و طغیان می رساند و دنیا و آخرتش را می سوزاند و او را از راحتی به ناراحتی می رساند. همین طور می توان شمرد و تمام هم نمی شود...

اما این بانوی بلند مرتبه، با اینکه غرق در زر و زیور، جمال و کمال، شور و شعور، عقل و درک، شهرت و آواز، و استقلال و... بود، از آفت ها و مستی های آنها خود را حفظ کرد، چرا که دارای روح حق پذیری و حق جویی بود، به خاطر همین هم نخستین ایمان آورنده ی به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از زنان و پیشگام ترین در اسلام و نماز و هجرت و جهاد و فداکاری بود. سپس پاداش این حق پذیری هم این بود که خدای پرمهر و بنده نواز، به فرشته وحی فرمان داد که در وقت فرود بر پیامبر صلی الله علیه و آله، درود و سلام او را هم به وسیله بنده برگزیده اش به خدیجه علیها السلام برساند، تا ثابت شود که خدا به پاداش آن ایمان خالص و ژرف و آن اعمال شایسته و پایدار، مقرر زیبایی در بهشت برای او آماده کرده است «وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مَبْنُوعٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ...» (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸)

منبع: برگرفته از کتاب ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه علیها السلام نوشته: مهدی وزنه

منبع: برگرفته از کتاب نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام نوشته: علی کرمی فریدنی، ص ۱۴





## القاب گرامی حضرت خدیجه (س)

برای حضرت خدیجه علیها السلام القاب فراوانی است که از عظمت بیکران و قداست بی پایان آن حضرت حکایت می کند، که از آن جمله است:

### ۱. صدیقه:

در فرازی از زیارت نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام درود بر زوجات طاهرات، از حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان «الصدیقه» تعبیر شده (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹) و این واژه در قرآن یکبار به کار رفته و آن هم در مورد حضرت مریم علیها السلام (سوره مائده (۵)، آیه ۷۵) و حضرت صادق علیه السلام آن را به معنای معصوم بیان فرموده است.  
(کلینی، الکافی باب مولد الزهراء، حدیث ۴)

### ۵. بانوی بانوان

امیرمؤمنان علیه السلام در چکامه ای که به عنوان سوگنامه حضرت خدیجه علیها السلام سروده اند، از او به عنوان «سیده النساء» بانوی بانوان تعبیر کرده اند. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۷۰) امام صادق علیه السلام نیز از او به «سیده قریش» یاد کرده اند. (حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۲۵) اسماء بنت عمیس نیز او را «سیده نساء العالمین» می خواند (قزوینی، فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، ص ۱۴۵) و در عهد جاهلی او را «سیده نساء القریش» می خواندند. (زرقانی، شرح المواهب اللدنیة، جلد ۱، ص ۱۹۹)

### ۲. مبارکه:

یکی دیگر از القاب این بانوی با عظمت «مبارکه» می باشد. و «مبارکه» در قاموس قرآن به معنای «نمو، زیادت و سعادت» است. خداوند منان به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود که نسل پیامبر آخر الزمان از بانوی مبارکه است (محدث قمی، کحل البصر، ص ۷۰) عبدالله بن سلیمان نیز این معنی را از «انجیل» روایت کرده است. (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲)

### ۶. دیگر القاب

در زیارتنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان: راضیه، مرضیه و زکیه نیز تعبیر شده است. (علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد ۱۰۰، ص ۱۸۹) یتیمان او را «امّ الیتامی»، بینوایان او را «امّ الصعالیک»، مؤمنان او را «امّ المؤمنین» و کوثر جاری خلقت نیز او را «امّ الزهراء» یا سرچشمه کوثر می دانستند.

### ۳. امّ المؤمنین:

همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در رأس آنها حضرت خدیجه علیها السلام در منطق قرآن «ام المؤمنین» لقب یافته اند (سوره احزاب (۳۳) آیه ۶) ولی به تصریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وی برترین و بهترین آنان می باشد. (سیلاوی، الانوار الساطعه، ص ۲۲۶)

### ۴. طاهره:

مشهورترین لقب حضرت خدیجه علیها السلام در عصر جاهلیت «طاهره» بود (هشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۱۸) زیرا او پاک ترین و عقیف ترین بانوی آن دوران بود. (مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷)

منبع: خدیجه علیها السلام مادر مؤمنان، سید مجید نبوی، علی غزالی اصفهانی، نشر: اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان



## مشاهده نشانه های نبوت

خدیجه علیها السلام نیز که مطالب بسیاری در این باره شنیده بود، از دانشمند یهودی پرسید: «تو از کجا دانستی که محمد، پیامبر است؟» وی گفت: «من درباره ویژگی های محمد در کتاب آسمانی تورات خوانده ام. همین شخص در آخرالزمان به پیامبری برانگیخته می شود. پدر و مادرش از دنیا رفته اند؛ جدش (عبدالمطلب) و عمویش (ابوطالب) از او سرپرستی می کنند و به زودی با بانویی از قریش که سرور قوم و رئیس قبیله خود است، ازدواج می کنند...» گویا یهودی در سخنان خود، خدیجه علیها السلام را همان بانوی قریش معرفی کرد و تصریح کرد: «ای خدیجه! بکوش که خشنودی محمد را به دست آوری؛ زیرا او مایه کرامت، شرافت و بزرگی دنیا و آخرت تو خواهد بود.» (بحارالانوار، ج ۱۶، صص ۲۰ و ۲۱).

ورقه بن نوفل نیز بارها به خدیجه علیها السلام گفته بود: «ای خدیجه! به زودی به مردی می پیوندی که برترین و شریف ترین انسان در سراسر زمین و آسمان هاست.» (همان، ص ۲۱) افزون بر این، برخی خواب ها نیز چنین واقعه مبارکی را به حضرت خدیجه علیها السلام نوید می دادند.

وقتی حضرت خدیجه علیها السلام از پسرعمویش، ورقه بن نوفل و دیگر آشنایان با کتاب های ادیان، درباره پیامبر آخرالزمان مطالبی می شنید، اشتیاق او به دیدار پیامبر موعود بیشتر می شد. نقل می کنند خدیجه علیها السلام شنیده بود دانشمندان یهود، برخی نشانه های پیامبر آخرالزمان را با ویژگی های محمد امین هماهنگ دانسته اند. این امر خدیجه علیها السلام را علاقه مند کرد تا در احوال و ویژگی های محمد بیش از پیش دقت کند. هرچه خدیجه علیها السلام درباره اخلاق و اوصاف محمد امین صلی الله علیه و آله بیشتر تحقیق می کرد، با ویژگی های اخلاقی و کرامت های انسانی وی بیشتر آشنا می شد. بدین سان، مهر محمد صلی الله علیه و آله به تدریج بر دل خدیجه نشست.

نقل می کنند روزی خدیجه علیها السلام در مجلسی حضور داشت. ناگاه دانشمندی یهودی با دیدن محمد امین صلی الله علیه و آله بی اختیار گفت: «به خدا سوگند، این جوان، خاتم پیامبران است.» حاضران هر کدام به گونه ای به این سخن واکنش نشان دادند.





«ای گروه زنان! شنیدم شما و همسرانتان بر ازدواج من با محمد ﷺ خرده می گیرید و این کار را ننگ می دانید. من از شما می پرسم: آیا در میان مردم مکه شخصی مانند محمد امین ﷺ می شناسید؟ آیا در اطراف جزیره العرب، شخصیتی با جمال و کمال محمد و با فضایل و اخلاق نیک وی می یابید؟ من به سبب این ویژگی های والا و برجستگی های اخلاقی و انسانی با او ازدواج کردم و درباره ویژگی هایش سخنانی شنیده ام که وی را از همه مردمان ممتاز می سازد. بنابراین، شایسته نیست که شما بیهوده بر این تصمیم من خرده بگیرید و ناآگاهانه به کسی نسبت های ناروا دهید.

زنان مکه در برابر این سخنان متین و استوار خدیجه ﷺ سکوت کردند. آنها با سکوت خود نشان دادند که خدیجه ﷺ در کاری که کرده، به خطا نرفته است. (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۱) ولی برخی از آن ها پس از خارج شدن از آن مجلس، دوباره به انتقاد و نکوهش های بیهوده خود ادامه دادند و حتی رفت و آمد با حضرت خدیجه ﷺ را تحریم کردند تا بلکه وی را از نظر روحی آزرده سازند. از آنجا که خدیجه ﷺ به حقانیت کار خود ایمان داشت، در برابر رفتارهای نابخردانه آنان، ذره ای تردید به دل خود راه نداد؛ زیرا وی تنها به رضایت خدا می اندیشید.

وقتی زنان قریش از تصمیم خدیجه ﷺ برای ازدواج با محمد امین ﷺ آگاه شدند، وی را بسیار سرزنش کردند. سرزنش آنها در دیدگاه های ظاهر بینانه شان ریشه داشت. آنها همواره به معیارهای مادی می اندیشیدند.

ازاین رو، خدیجه ﷺ را سرزنش می کردند و می گفتند خدیجه با آن همه حشمت و شوکت و ثروت حاضر شده است با یتیم ابوطالب، محمد امین که تهی دست است، ازدواج کند. آیا این ننگ و عار نیست؟

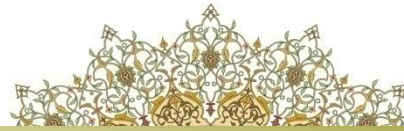
روشن است که معیارهای خدیجه ﷺ با ملاک های مادی و ظاهری آنان بسیار تفاوت داشت.

وی به تنها چیزی که در این ازدواج توجه نداشت، ثروت و دارایی بود. ازاین رو، هنگام خواستگاری اشراف ثروتمند قریش، با قاطعیت به آنها جواب رد داد. او در پی فضیلت های اخلاقی و ارزش های انسانی و ایمان و صداقت بود.

نقل شده است وقتی انتقادها و سرزنش های مردم مکه به گوش خدیجه ﷺ رسید، آن بانوی خردمند، زنان مکه را به خانه اش دعوت کرد. آن گاه پس از پذیرایی از آنها به ایشان چنین گفت:







## بیوه بودن ام المؤمنین

با بیان این مقدمه، دیگر وجه ناسازگاری بیوه بودن ام المؤمنین علیها السلام واضح و آشکار می شود. زیرا بنابر آنچه در تواریخ محرف در مورد ایشان وارد شده، ام المؤمنین علیها السلام قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله با دو کافر بت پرست به نام های عتیق بن عائد مخزومی و ابوهاله ازدواج نموده و از آنان صاحب اولاد شده بودند که این درست بر خلاف مبانی اعتقادی شیعه است. زیرا ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، ایشان را از دایره طهارت خارج کرده و قابلیت مادری برای حضرت زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام را از ایشان سلب می کند؛ به علت آنکه حضرت زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام از مصادیق آیه تطهیر می باشند و می بایست از هرگونه ناپاکی مبرا باشند که یکی از آن ناپاکی ها، آلودگی پدران و مادران ایشان به آلودگی های جاهلیت می باشد. مضافاً اینکه ام المؤمنین علیها السلام موحد و تابع شریعت عیسوی بوده اند. طبق شریعت های توحیدی ازدواج موحد با کافر و مشرک حرام می باشد و اگر بر خلاف دستور دین چنین ازدواجی صورت بگیرد باطل محسوب می شود. با این حساب ازدواج ام المؤمنین علیها السلام با عتیق و ابوهاله که دو کافر بت پرست بوده اند از لحاظ دینی حرام و در صورت وقوع آن، این نه ازدواج شرعی، بلکه امری غیر شرعی محسوب می شده است که این خود، نافی پاکی و طهارت می باشد.

حال در اینجا افرادی که با توجه به تاریخ محرف، ازدواج های ام المؤمنین علیها السلام با عتیق و ابوهاله را مورد تایید قرار می دهند، مقابل دو قضیه متناقض قرار می گیرند؛ اول ادعای تاریخ مبنی بر ازدواج ام المؤمنین علیها السلام با دو کافر که با قبول آن می بایست معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومین علیهم السلام باشند، حال آنکه ایشان در واقع مادر این بزرگواران می باشند. و دوم اصل اعتقادی عصمت برای معصومین علیهم السلام که به واسطه آن می بایست معتقد به پاکی پدران و مادران ایشان باشند. بنابراین با قبول قضیه اول، اصل اعتقادی عصمت که از ضروریات دین است، زیر پا گذاشته می شود و با قبول اصل عصمت، مساله تاریخی ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست محال به نظر می آید.

نسبت چهل ساله بودن ام المؤمنین علیها السلام در هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم چنین بیوه بودن ایشان نیز از نتایج همین شگرد منافقین است. اما این تهمت ناروا با واقعیت زندگی ام المؤمنین علیها السلام فاصله بسیاری دارد. زیرا اولاً این نسبت با عقاید مذهب حقه ناسازگاری و منافات دارد و ثانیاً از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجهت و اعتبار کافی می باشد که در ادامه به تفصیل این دو مورد می پردازیم:

### مورد اول: ناسازگاری با مبانی اعتقادی مکتب تشیع

یکی از ضروریات اعتقادی مذهب حقه جعفری عصمت نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان، یعنی حضرت زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام می باشد. معنای اولیه ای که از این کلمه در ذهن وارد می شود، دوری از گناه و اشتباه و فکر آن می باشد که اگر چه معنایی درست و مطابق با موازین اعتقادی است، اما در برگزیده تمام مفهوم آن نمی باشد. کامل ترین معنای عصمت در قرآن مجید، در آیه تطهیر وارد شده است. خداوند در این آیه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را مبرا از هرگونه ناپاکی و پلیدی و دارای مقام تطهیر دائمی معرفی کرده است. عصمت از گناه و فکر گناه و عصمت از اشتباه، در برگزیده یک قسمت از معنای آیه تطهیر می باشد، اما این آیه نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می کند که اغلب در بیان معنای عصمت به دست فراموشی سپرده می شود که عبارت است از دوری هرگونه ناپاکی. این ناپاکی دارای مصادیق بسیاری می باشد که یکی از آن مصادیق، آلودگی آباء و اجداد معصومین علیهم السلام به انجاس زمان جاهلیت می باشد که در این آیه به طور کلی این مساله نفی شده است. مؤید ما در این مدعی عباراتی است که در غالب زیارت نامه های وارده از معصومین علیهم السلام آمده که فرموده اند الجاهلیه کنت نوراً فی اصلااب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسک بانجاسها «؛ یعنی شما نوری بودید در صلب های مردان بلند مرتبه و در رحم های زنان پاک که جاهلیت، شما را با آلودگی های خود نیالود آلوده به انجاس جاهلیت. « و حال اگر کسی معتقد باشد که یکی از اجداد پدری یا مادری این بزرگواران عاری از طهارت باشد در مسیر انکار این اصل ضروری دین قرار گرفته و از دایره دین خارج می شود.





## فدیجه (س) مردود است

آنچه در این دو مسأله متناقض برای ما روشن است این است که اولاً ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست مسئله ای صرفاً تاریخی است که به خودی خود دارای هیچ گونه اعتبار و حجیت شرعی نمی باشد؛ یعنی نه در کتاب خدا و نه در سنت نبی اکرم و ائمه هدی علیهم السلام برای آن مویدی یافت نمی شود که به واسطه آن دارای اعتبار و حجیت بشود؛ خصوصاً اینکه تاریخ صدر اسلام مملو از تحریف است که با توجه به این مطلب، دیگر هیچ وجه عقلایی برای اتکاء به آن تاریخ محرف یافت نمی شود. ثانیاً طهارت آباء و اجداد معصومین علیهم السلام اصل ضروری دین می باشد که اعتقاد به آن واجب و عدم اعتقاد به آن موجب خروج از دین می گردد.

پس با این حساب در مواجهه این دو قضیه و موارد مشابه با آن آنچه مورد قبول واقع می شود، اصل اعتقادی و آنچه طرد می گردد، مسائل تاریخی متناقض با آن می باشد و این - نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در هنگام مطالعه و تحقیق تاریخ صدر اسلام - تنها راه فهم تحریفات وارد شده در تاریخ محرف و فرار از انحرافات عقیدتی می باشد زیرا هدف دشمنان دین در مسأله تحریف تاریخ، جز منحرف کردن مخاطبان آن از اصول عقیدتی و دور نگه داشتن آنان از حقیقت زندگی اولیای دین نبوده است که با نصب العین قرار دادن اصول اعتقادی در حین مطالعه و تحقیق آن، این تلاش آنان ناکارآمد می گردد.

### مورد دوم: این مسئله از لحاظ تاریخی دارای اعتبار کافی نمی باشد

با دو کافر در زمان علیهم السلام اگر چه اعتقاد داشتن به ازدواج ام المؤمنین جاهلیت، مغایر با اصول اعتقادی دین مبین اسلام است و هیچ تردیدی در بطلان آن نباید داشت، اما اشاره به این مطلب نیز زیاست که منابع اولیه ای که این ادعا از آنان صادر گردیده، تمامی برگشت به اهل تسنن دارد و به طور حتم می توان گفت که در هیچ یک از کتب روایی و تاریخی شیعه ردپایی از این ادعا یافت نمی شود که این خود جای تأمل بسیار دارد. زیرا اگر شخصی به کتب تاریخی و روایی اهل تسنن اندک مراجعه ای داشته باشد متوجه می شود که این کتاب ها دارای موارد متضاد و متناقض بسیاری هستند که اعتبار آنان نه فقط از طریق شیعه، بلکه از طرف علمای اهل تسنن نیز مورد خدشه می باشد؛ به عنوان مثال در بین آن همه کتب

صحاح، صحیح بخاری بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، به صورتی که اگر ادعا شود اهل تسنن بعد از قرآن، هیچ کتابی را به اندازه صحیح بخاری مورد توجه قرار نمی دهند، ادعای گزافی نیست، اما با این حال کتب زیادی در تنقیح احادیث صحیح بخاری نوشته شده که بسیاری از احادیث آن را مورد خدشه قرار می دهد. زیرا احادیث مصنوعه، جعلی و نیز نقل های تاریخی محرف زیادی در این کتب وارد شده است که تعصب و عناد و دشمنی با اهل بیت نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله را می توان از مهم ترین ادله جعل و ورود این احادیث و نقل های تاریخی به این کتب دانست.

حال با اوضاع وخیمی که در کتب روایی و تاریخی اهل تسنن دارد، دیگر روشن می شود که چرا نقل این مسأله فقط از طریق اهل تسنن قابل تأمل می باشد. زیرا بانیان انحراف و غاصبان خلافت، برای اثبات موضع خود در بین مردم دست به جعل و تحریف دین و تاریخ دین زدند که نتیجه آن را امروز می توان در کتب روایی و تاریخی بقایای آنان، یعنی اهل تسنن مشاهده نمود. البته ممکن است این اشکال مطرح شود که این مسأله در برخی از کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده که در جواب باید گفت: اولاً نقل های وارده در کتب روایی و تاریخی شیعه در این باره نیز به علت برگشت به منابع اهل تسنن فاقد وجاهت و اعتبار می باشد. ثانیاً: بزرگان علما شیعه همانند سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالقاسم کوفی و هم چنین احمد بکری و بلاذری از علماء اهل تسنن در تصانیف خود زیر بار این مسأله نرفته اند و عذراء بودن (باکره بودن) ام المؤمنین علیها السلام در حین ازدواج با نبی اکرم اسلام صلی الله علیه و آله را مورد تأکید قرار داده اند. و چنان چه گفته شد، غواص دریای روایات اهل بیت علیهم السلام مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در کتاب شریف بحار الانوار با ذکر روایتی سن ازدواج خدیجه کبری علیها السلام با رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و آله را ۲۸ سال بیان کرده است. آری! غاصبان به خیال خود می پنداشتند که می توانند با طرح این گونه مسائل عایشه را در نظر مردم محبوب واقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله ام المؤمنین علیها السلام را تنها بیوه زنی جلوه دهند؛ حال آنکه مبانی اعتقادی شیعی این خیال آنان را باطل و پیروان واقعی مکتب اهل بیت علیهم السلام را از خطر اینگونه انحرافات بیمه نموده است.



به گونه ای که در یک روز عده زیادی از مسلمین و صحابه رسول خدا ﷺ را قتل عام کرد و با زن مالک بن نویره رئیس آنان زنا کرد و به خاطر این عمل از طرف ابوبکر تشویق هم شد. در مقابل، هر کس از این دو ویژگی مبرا بوده و حب امیرالمؤمنین (ع) را در دل می داشته هر چند هم نزد رسول خدا ﷺ دارای مقام و ارزش و احترام بوده، در نزد غاصبان خلافت مطرود، خارجی و گاهی واجب القتل به حساب می آید که سلمان، ابوذر، مقداد، مالک بن نویره و دیگر صحابی امیرالمؤمنین (ع) از همین موارد هستند که یا تبعید شدند و یا به قتل رسیدند.

حال با توجه به این معیار، مشخص می شود که چرا در میان زنان رسول خدا ﷺ هیچ کدام به اندازه عایشه برای منافقان دارای ارزش و قیمتی نمی باشند؛ زیرا در دشمنی با اهل بیت رسول خدا ﷺ گوی سبقت را از دیگران ربوده بود. همو که بارها به خاطر دشمنی با خاندان رسول خدا ﷺ اشک حضرت فاطمه زهرا (ع) را جاری کرده بود و همو بود که بارها با توهین به امیرمومنان (ع) اسباب اذیت و آزار رسول خدا ﷺ را فراهم کرده بود و همو بود که جاسوس و از تمامی لحظه لحظه خانه رسول خدا ﷺ را برای پدرش (ابوبکر) گزارش می داد که درست به خاطر همین کار خود مورد خشم پیامبر اسلام (ص) واقع شد. شما قضاوت کنید که چقدر این زن مورد توجه منافقین بود؟! کسی که بیش از ۹ سال در خانه رسول خدا بود به واسطه او آنچه توانستند روایت جعل کردند و در دین خدا بدعت وارد کردند. درست به همین خاطر است که در کتب آنان ام المؤمنین قرین به نام عایشه شده و از دیگر زنان رسول گرامی اسلام (ص) حتی از حفصه هم که در بغض اهل بیت (ع) کم از عایشه ندارد کمتر نام برده شده است زیرا برای مسلمانان عوام و صاحبان کفر و نفاق، بهتر از او مادری یافت نمی شود تا دلسوزانه و مادرانه برای آنان در تمامی شئون دین از احکام گرفته تا اعتقادات و از تاریخ گرفته تا سیره رسول خدا ﷺ روایت جعل کند و بدعت وارد دین کند، با توجه به این مسأله است که ارزش واقعی کلام معصومین (ع) مشخص می شود که همیشه شیعیان را متوجه دسیسه های ایشان می نمودند و بر این مسأله تاکید داشتند که رشد و پیشرفت در جهت خلاف عملکرد اینان می باشد.

برگرفته از کتاب سیری در زندگانی ام المؤمنین حضرت خدیجه (ع)

آن چه در خاتمه از بحث ذکر آن ضروری به نظر می رسد آن است که چرا عایشه در میان تمامی زنان رسول خدا ﷺ آنقدر برای منافقان با ارزش است که به خاطر مطرح کردن او، آن همه سعی و تلاش می کنند و در تاریخ دست می برند و روایت جعل می کنند و ...؟ به راستی چه سری در این میان است؟ برای بیان علت این امر باید برگشتی داشته باشیم به اساس شکل گرفتن دسته منافقین در میان اصحاب رسول خدا ﷺ. منافقان بعد از انتخاب امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه رسول خدا ﷺ و جانشین ایشان از طرف خداوند و ابلاغ آن به وسیله رسول خدا ﷺ (که مشهورترین آن در روز عید غدیر خم می باشد)، در هر زمان ممکن برای جلوگیری از رسیدن ایشان به جانشینی رسول خدا ﷺ عده ای که دو ویژگی داشتند را گرد خود جمع کردند و به وسیله کمک و همراهی آنان قبل از شهادت رسول خدا ﷺ چگونگی غصب خلافت امیرالمومنان (ع) را طرح ریزی کرده و بعد از شهادت رسول خدا ﷺ آن را مو به مو اجرا در آوردند.

ویژگی این افراد اولاً: بغض نسبت به امیرالمؤمنین (ع) و دشمنی با ایشان . ثانیاً: عدم ایمان واقعی به رسالت رسول خدا ﷺ بود.

رسول اکرم اسلام (ص) را ۲۸ سال بیان کرده است. آری! غاصبان به خیال خود می پنداشتند که می توانند با طرح این گونه مسائل عایشه را در نظر مردم محبوب واقعی رسول خدا ﷺ ام المؤمنین (ع) را تنها بیوه زنی جلوه دهند؛ حال آنکه مبانی اعتقادی شیعی این خیال آنان را باطل و پیروان واقعی مکتب اهل بیت (ع) را از خطر اینگونه انحرافات بیمه نموده است.

لذا به جرأت می توان گفت که اساس سقیفه و شکل گیری حکومت های غاصبانه بعد از رسول خدا ﷺ چیزی جز این دو مورد نبود؛ یعنی غاصبان و صاحبان حکومت های غاصبانه و اطرافیان آنان بعد از رسول خدا ﷺ هم دشمنی عمیقی با امیرمومنان (ع) داشتند و هم ایمان واقعی به رسالت رسول خدا ﷺ نداشتند. این مسأله آن قدر در کلام و گفتار و کردار ایشان واضح است که احتیاج به ارائه دلیل و مدرک در این زمینه نمی باشد. حال که اساس سقیفه و غصب خلافت و تغییر مسیر اسلام و منحرف شدن آن از مسیر اصلی با این تفکر شکل گرفته بسیار طبیعی است که معیار نزدیکی به آنان و محبوب شدن در نزد آنان و هم چنین دوری از آنان و طرد شدن از نزد آنان نیز همین تفکر و همین دو ویژگی باشد؛ یعنی هر کس که این دو ویژگی بیشتر در وجود او باشد؛ اگر چه مطرود نبی اکرم اسلام (ص) باشد، محبوب درگاه غاصبان خواهد بود؛ مانند بنیامیه که مطرود رسول خدا ﷺ بودند، اما محبوب درگاه خلیفه دوم شدند و یا مروان که مطرود رسول خدا ﷺ بود و محبوب درگاه عثمان شد. همچنین رسول خدا ﷺ از خالد بن ولید برائت جستند. اما در درگاه ابوبکر صاحب مقام و جلالت گردید.



# نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (س)

## ۱. فضایل اخلاقی و عملی

حضرت خدیجه علیها السلام همسر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ۶۸ سال پیش از هجرت نبوی در شهر مکه به دنیا آمد. پدر وی خویلد بن اسد و مادرش فاطمه دختر زائدة بن اصم می باشد. او در چهل سالگی با حضرت محمد صلی الله علیه و آله که ۲۵ سال از عمر شریفش را سپری کرده بود ازدواج نمود. بنابر قول مشهور ثمره ازدواج خدیجه علیها السلام شش فرزند به نام های قاسم، عبدالله، رقیه، زینب، ام کلثوم و فاطمه علیها السلام بود. قبل از اسلام وی به خاطر دارا بودن صفات پسندیده و فضائل اخلاقی و پاکدامنی، «طاهره» لقب گرفت. ثروت خدیجه علیها السلام در میان اهل مکه بی نظیر بود و اهالی مکه با اموال وی به صورت مضاربه ای تجارت می کردند. خدیجه علیها السلام پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله همه آن ثروت را در اختیار حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهاد و بدین ترتیب از جنبه اقتصادی دین اسلام را تقویت نموده و در گسترش آن نهایت تلاش خود را به جای آورد.

مقام او در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حدی بود که در مدت ۲۵ سال زندگی مشترک با این بانوی با عظمت، آن حضرت به خاطر تکریم وی با هیچ زنی ازدواج نکرد و بهترین دوران جوانی خویش را به وی بخشید. بعد از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همیشه به یاد محبت ها و تلاش های او بود. بنابر برخی اقوال خدیجه قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دو نفر دیگر بنام های «ابو هاله بن زراره تمیمی» و «عتیق بن عاذن مخزومی» نیز ازدواج کرده بود. این یاور با وفای رسالت بعد از ۲۵ سال زندگی در کنار حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در دهمین سال بعثت در ۶۵ سالگی و در دهم ماه رمضان چشم از جهان فرو بست و قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان را داغدار نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیکر پاک او را در حجون با دست های خویش به قبر گذاشت و از شدت حزن و اندوه سال وفات او را که با فاصله اندکی از رحلت ابوطالب علیه السلام رخ داده بود، عام الحزن (سال اندوه) نامید.

آنچه پیش روی شماس ت بررسی نقش حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش آموزه های مکتب تربیتی اسلام است به امید آن که بتوانیم از این شخصیت برجسته و بانوی نمونه در جهان اسلام درس ها آموخته و با شناخت فضائل و مناقب آن بزرگوار، از او به عنوان اسوه و الگوی تربیتی پیروی کنیم.

مطالعه تاریخ زندگی حضرت خدیجه علیها السلام نشان می دهد که او هم در دوران جاهلیت و هم بعد از بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله دارای فضائل اخلاقی و کمالات معنوی بوده است. او در جامعه خود به عنوان یک الگوی زن برتر، تاثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است. سخاوت، کرامت، ایثار و فداکاری، عفت و پاکدامنی، دوراندیشی و درایت و توجه به مستمندان، عطوفت و مهربانی و صبر و استقامت، از جمله فضیلت های پسندیده ایست که صفحات تاریخ این زن نمونه را نشان می دهد. به همین جهت آن بانوی یگانه در میان زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله شرایط هم کفو بودن را احراز نمود و یک همتای واقعی برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. عدم ازدواج مجدد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیات خدیجه کبری علیها السلام نشانگر جاذبه های معنوی و فضائل اخلاقی بی شمار در وجود آن حضرت است، که بدون تردید برخورداری از آن صفات نقش مهم و اساسی در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته است. به همین جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این بانوی تربیت یافته را از برترین زنان بهشتی شمرده و می فرماید: «افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امراه فرعون (مناقب امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۶)؛ بهترین زنان اهل بهشت عبارتند از: خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم [یعنی] زن فرعون».

وفاداری این بانوی آسمانی در راه رسیدن به اهداف والای همسر خویش، مورد توجه سیره نویسان و محققان قرار گرفته است. او از اولین لحظات بعثت، به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد و تا آخرین لحظات برایمان خود پای فشرد و لحظه ای شک و تردید به دل راه نداد.

گذشته از فضائل اخلاقی، او از کمالات علمی نیز برخوردار بود. تاریخ گواهی می دهد که خدیجه در مورد دانش عصر خود اطلاعات فراوانی داشت و از کتاب های آسمانی آگاه و از نظر عقل و درایت و زیرکی بر تمام زنان حتی بسیاری از مردان معاصر برتری داشت. بنابراین او دارای تمام کمالات و امتیازهایی بود که یک زن می تواند داشته باشد.



حضرت محمد ﷺ می‌باشد، به مادرش دلداری داده و گفت:

«یا اماه! لاتحزنی ولاترهبی فان الله مع ابی (فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، ص ۱۶۴)؛ مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش، زیرا خداوند یار و یاور پدرم می‌باشد.»

امامان معصوم ﷺ نیز همیشه به وجود چنین مادری افتخار می‌کردند؛ همچنانکه حضرت مجتبی ﷺ هنگامی که با معاویه مناظره می‌کرد، در مورد یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی و سعادت و خوشبختی خود به نقش مادر در تربیت افراد اشاره کرده و فرمود: معاویه! چون مادر تو «هند» و مادر بزرگت «نثیله» می‌باشد [و در دامن چنین زن پست و فرومایه‌ای پرورش یافته‌ای] این گونه اعمال زشت از تو سر می‌زند و سعادت ما خانواده در اثر تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا همچون خدیجه ﷺ و فاطمه ﷺ می‌باشد. (الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۸۲)

امام حسین ﷺ در روز عاشورا برای معرفی خویش و آگاه کردن دل‌های بیدار، به مادرش فاطمه ﷺ و مادر بزرگ شایسته و فداکارش حضرت خدیجه ﷺ اشاره نموده و فرمود: «انشدکم الله هل تعلمون ان امی فاطمه الزهراء بنت محمد؟! قالوا: اللهم نعم... انشدکم الله هل تعلمون ان جدتی خدیجه بنت خویلد اول نساء هذه الامه اسلاما؟! قالوا: اللهم نعم (الامالی شیخ طوسی، ص ۴۶۳)؛ شما را به خدا قسم می‌دهم! آیا می‌دانید که مادر من «فاطمه زهره ﷺ» دختر محمد [مصطفی ﷺ] است؟! گفتند: آری [ فرمود: شما را به خدا قسم می‌دهم! آیا می‌دانید که مادر بزرگ من خدیجه دختر خویلد، نخستین زنی است که اسلام را پذیرفت؟! گفتند: آری.]

حضرت خدیجه ﷺ علاوه بر اینکه در دامن پر مهر و عطوفت خویش فرزندان پیامبر را پرورش داد، فرزندان شایسته‌ای را نیز قبل از ازدواج با پیامبر ﷺ تربیت کرده بود که از جمله آن‌ها هند بن ابی هاله می‌باشد. او (هند) در مدت سه شبانه روزی که پیامبر اکرم ﷺ در هنگام هجرت در غار ثور مخفی شده بود، به همراه علی ﷺ دور از چشم مشرکان مکه محرمانه به پیامبر ﷺ آذوقه می‌برد و برمی‌گشت. وی مردی بزرگوار، شریف، فصیح و محدث بود و از شوهر دیگر خدیجه بنام ابی هاله بن زراره تمیمی متولد شده بود. (الامالی شیخ طوسی، ص ۴۶۳). هند پسر خدیجه ﷺ همان کسی است که امام حسن علیه السلام به عنوان دایی خود از وی نام می‌برد. وی اوصاف و شمایل رسول خدا ﷺ را برای امام مجتبی ﷺ توصیف می‌کرد و بسیار مورد علاقه رسول الله ﷺ بود. او بت‌های مشرکان را می‌شکست (اکمال الکمال، ج ۱، ص ۱۱۹) و در جنگ جمل در رکاب حضرت علی ﷺ به شهادت رسید. (مکارم الاخلاق، ص ۱۱) و (برخی از متفکران اسلامی معتقدند که حضرت خدیجه ﷺ قبل از حضرت رسول ﷺ ازدواج نکرده بود و فرزندی همچون هند خواهرزادگان وی بودند که آنان را در دامن خود پرورش داد.)

با توجه به نکات یاد شده، خدیجه ﷺ به عنوان اولین بانوی مسلمان در ترویج فرهنگ اسلامی و الگوهای یک زن مسلمان و با کمال نقش والای خود را ایفا کرده است و بانوان بسیاری از تربیت عملی وی درس‌ها آموخته‌اند. اهمیت فضائل اخلاقی و کمالات انسانی در وجود این بانوی با فضیلت آنگاه به اوج خود می‌رسد که نگاهی به وضع زن در ایام جاهلیت و قبل از بعثت پیامبر اکرم ﷺ بیندازیم.

زن در آن روز نه تنها از حقوق خود محروم بود و با رقت‌آورترین وضع زندگی می‌کرد، بلکه به عنوان مایه ننگ و عار و موجودی شوم زنده به گور می‌شد. خدیجه ﷺ در چنین عصری اثبات نمود که یک زن نه تنها حق حیات دارد و باید حقوق مسلم خود را استیفا نماید، بلکه می‌تواند با اعمال شایسته و تلاش و کوشش، به مرحله‌ای برسد که خداوند متعال به او سلام برساند؛ همچنان که امام باقر ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند: شبی که در معراج بودم، به هنگام بازگشت از سفر معراج به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل! آیا خواسته‌ای از من داری؟ گفت: خواهش من این است که از طرف خداوند و من، به خدیجه ﷺ سلام برسانی. (بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۵)

## ۲. پرورش فرزندان صالح

بدون تردید، مادر به عنوان مؤثرترین عامل محیطی و وراثتی در پرورش و رشد شخصیت کودک نقش به سزایی دارد. حضرت خدیجه ﷺ علاوه بر این که به نص قرآن مادر روحانی همه مؤمنین است، به عنوان مادری شایسته و با ایمان در دامن خویش فرزندان نیک و صالحی برای رسول الله ﷺ تربیت نمود. وی شش فرزند برای پیامبر ﷺ به دنیا آورد و در دامن پر مهر خویش پرورش داد که در میان آن‌ها حضرت فاطمه ﷺ از رتبه خاصی برخوردار است. دختری که رهبری اسلام بعد از پیامبر اکرم و علی علیه السلام از نسل او پدید آمد و ادامه یافت. این دختر با مادرش آنچنان ارتباط تنگاتنگ داشت که هنگام رحلت حضرت خدیجه ﷺ، فاطمه ﷺ که در حدود پنج سال داشت شدیداً بی‌تابی می‌کرد و به دور پدر بزرگوارش می‌چرخید و می‌گفت: «یا ابه این امی؛ پدر جان! مادرم کجاست؟» حضرت جبرئیل ﷺ نازل شد و فرمود: یا رسول الله! خداوند می‌فرماید: سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه‌های بهشتی با آسیه و مریم زندگی می‌کند. (امالی شیخ طوسی، ص ۱۷۵). این دختر پاکیزه، هنگام رحلت مادر وقتی احساس کرد که حضرت خدیجه ﷺ شدیداً در فراق او و پدر ارجمندش ناراحت است و نگران تنهایی و بی‌ياوری



### ۳. توجه به نیازهای عاطفی و خواسته‌های فرزندان

مهرورزی و محبت به کودکان و رفع نیازهای معنوی و عاطفی فرزندان، یکی دیگر از اصول تربیتی اسلام می‌باشد. حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان یک مادر دلسوز و مربی آگاه در این مورد حساسیت ویژه‌ای داشت. ماجرای زیر بیانگر این ویژگی حضرت خدیجه علیها السلام می‌باشد.

در ایام بیماری خدیجه علیها السلام که به مرگ وی انجامید، روزی اسماء بنت عمیس به عیادتش آمد، او خدیجه علیها السلام را گریان و ناراحت مشاهده کرد و به او دلداری داده و گفت: تو از بهترین زنان عالم محسوب می‌شوی، تو تمام اموالت را در راه خداوند بخشیدی، تو همسر رسول گرامی اسلام هستی و بارها تو را به بهشت بشارت داده است. با این همه چرا گریان و نگران هستی؟

خدیجه علیها السلام فرمود: اسماء! من در فکر این هستم که دختر هنگام زفاف نیاز به مادر دارد تا نگرانی‌ها و اسرارش را به مادر بگوید و خواسته‌هایش را به عنوان محرم اسرار مطرح نماید، فاطمه علیها السلام کوچک است، می‌ترسم کسی نباشد که متکفل کارهای وی در هنگام عروسی شود و برایش مادری کند.

اسماء بنت عمیس گفت: ای بانوی من! نگران نباش من با تو عهد می‌کنم که اگر تا آن موقع زنده ماندم به جای تو برای فاطمه علیها السلام مادری کنم و نیازهای روحی و عاطفی وی را برطرف نمایم.

بعد از وفات خدیجه علیها السلام هنگامی که شب زفاف حضرت فاطمه علیها السلام فرا رسید، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همه زن‌ها از اتاق عروس خارج شوند و کسی در آنجا باقی نماند. همه رفتند، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متوجه شد که هنوز اسماء بنت عمیس در اتاق باقی مانده است. فرمود: آیا نگفتم همه زنان بیرون روند؟ اسماء گفت: چرا یا رسول الله صلی الله علیه و آله من شنیدم و قصد مخالفت با فرمایش شما رانداشتم، ولی عهد من با خدیجه علیها السلام مرا بر آن داشت که در این‌جا بمانم؛ چون با خدیجه علیها السلام پیمان بسته‌ام که در چنین شبی برای فاطمه علیها السلام مادری کنم. (اعیان الشیعه، ج ۱، ۳۸۰).

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با شنیدن این سخن به گریه در آمد و فرمود: تو را به خدا سوگند برای این کار ایستاده‌ای؟ اسماء عرض کرد: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله دست به دعا برداشته و برای اسماء بنت عمیس دعا کرد. همچنین حضرت خدیجه علیها السلام در مورد آینده دختر خردسال خویش خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دغدغه‌هایی را به این ترتیب بیان نمود: یا رسول الله! این دختر من - با اشاره به حضرت فاطمه علیها السلام - بعد از من غریب و تنها خواهد شد. مبادا کسی از زنان قریش او را آزار برساند، مبادا کسی به صورتش سیلی بزند، مبادا کسی صدای خود را بر روی او بلند کند، مبادا کسی با او رفتاری تند و خشن داشته باشد.

(شجره طوبی، ج ۲، ص ۳۳۴)

### ۴. رعایت آیین شوهرداری

یکی از برنامه‌های تربیتی اسلام، آموزش آیین شوهرداری به بانوان می‌باشد. اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری‌های خانواده‌ها توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات به رفتارهای بانوان و زنان و دختران جوان بر می‌گردد و این همه، به خاطر ناآگاهی و عدم توجه به حقوق شوهران، رعایت نکردن آداب معاشرت، عدم آگاهی از اصول شوهرداری در اسلام است. حضرت خدیجه علیها السلام در ترویج آیین شوهرداری اسلامی و رعایت حقوق همسر، نهایت تلاش را به عمل می‌آورد. حضرت خدیجه علیها السلام با شیوه‌های مختلفی فضای خانواده را آرام نگاه داشته و امنیت روحی و روانی را برای شوهر و فرزندان برقرار و زمینه را برای رشد فضائل اخلاقی فراهم می‌آورد. در اینجا به برخی از روش‌های تکریم شوهر و همسر داری حضرت خدیجه علیها السلام اشاره می‌کنیم:

(الف) ابراز محبت:

حضرت خدیجه علیها السلام در فرصت‌های مناسب به همسر گرامی خویش ابراز علاقه و محبت می‌کرد. او در قالب اشعاری زیبا درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مکنونات قلبی خویش را چنین ابراز می‌دارد:

فلو اننی امشیت فی کل نعمه      ودامت لی الدنیا و ملک الاکاسره  
فما سویت عندی جناح بعوضه      اذا لم یکن عینی لعینک ناظره

«اگر تمام نعمت‌های دنیا و سلطنت‌های پادشاهان را داشته باشم و ملک آن‌ها همیشه از آن من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه‌ای ارزش ندارد زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد.» (مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۴۴)

(ب) طرح غیرمستقیم خواسته‌ها:

بدون شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد. این در خواست‌های معقول زن، اگر در محیطی محبت‌آمیز و همراه با حفظ حریم‌های اخلاقی باشد، امری پسندیده‌تر و جذاب خواهد بود. اگر این خواسته‌ها به صورت غیرمستقیم انجام گیرد، در تحکیم روابط خانوادگی و افزایش محبت تأثیری فوق العاده خواهد داشت. حضرت خدیجه علیها السلام اقدامات زیادی را در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام داده و صدمات فراوانی متحمل شده بود، از این رو به صورت طبیعی می‌توانست انتظارات و توقعاتی را نیز از آن حضرت داشته باشد، اما او هیچ‌گاه خواسته‌های شخصی خویش را به صورت مستقیم بیان نمی‌کرد بلکه سعی می‌کرد آن‌ها را به عنوان یک پیشنهاد یا خواهش غیر مهم و در کمال ادب و احترام مطرح نماید.

حضرت خدیجه علیها السلام در آستانه وفات خویش هنگامی که وصیت‌های خود را بیان می‌کرد، آن‌ها را در قالب یک گفت و گوی صمیمانه و محبت‌آمیز مطرح نمود.





دفاع می نمود و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبش می کردند تسلی می داد. او به همراه علی علیه السلام هنگام نزول نخستین وحی آسمانی به پیامبر ﷺ، در غار حرا بود. (خدیجه، علی محمد علی دخیل، ص ۳۱).

پیامبر اکرم ﷺ در مورد همسر گرامی خویش می فرماید: «خدیجه زنی بود که چون همه از من روی می گردانیدند او به من روی می کرد و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد.

در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود.» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱).

خدیجه آنچنان در روح و جان همسر بزرگوارش تاثیر گذاشته بود که مدت ها بعد از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام، هرگاه حضرت رسول ﷺ گوسفندی را ذبح می کرد، می فرمود سهمی هم به دوستان خدیجه بفرستید، زیرا من دوست خدیجه علیها السلام را هم دوست می دارم.

#### ۵. برترین معیارهای انتخاب همسر

هر جوانی در زندگی خویش نیاز به ازدواج دارد و ازدواج در اسلام، یک امر مقدس و عبادت محسوب می شود. دختر و پسری که می خواهند به سوی امر مقدس ازدواج قدم بردارند، اولین گام را از خود دوستی به سوی غیردوستی بر می دارند، آنان با امضای پیمان مقدس زناشویی از دایره خودخواهی بیرون رفته و با وارد شدن به مرحله جدیدی از زندگی، بخشی از کمبودهای خود را جبران می کنند که از جمله آنها می توان به بقای نسل، رسیدن به آرامش و سکون، تکمیل و تکامل، تامین نیاز جنسی، سلامت و امنیت اجتماعی و تامین نیازهای روحی و روانی اشاره کرد. اما در این میان مهم ترین دغدغه های هر دختر و پسر جوان که در آستانه ازدواج قرار می گیرد، برترین معیارها و ملاک های ازدواج در انتخاب همسر آینده اش می باشد. حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان الگوی دختران و زنان مسلمان در مورد انتخاب حضرت محمد ﷺ به عنوان همسر آینده خویش ملاک ها و اصولی را مطرح می کند که از گفت و گوی وی با پیامبر اکرم ﷺ معلوم می شود. خدیجه علیها السلام هنگام پیشنهاد ازدواج با رسول خدا ﷺ به وی گفت: به خاطر خویشاوندیت با من، بزرگواریت، امانتداری تو در میان مردم، اخلاق نیک و راست گوئیت، مایلم با تو ازدواج کنم. (کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۲). ارزش این انتخاب خدیجه جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه ها برای ازدواج وی با هر یک از جوانان نامدار و ثروتمند قریش فراهم بود.

منبع: مجله مبلغان، شماره ۳۵، عبدالکریم پاک نیا

وی خطاب به پیامبر اکرم ﷺ عرض کرد: «یا رسول الله! چند وصیت دارم، البته من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن. پیامبر ﷺ فرمود: هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم. تو نهایت درجه تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی. حضرت خدیجه علیها السلام عرض کرد: یا رسول الله ﷺ! می خواهم خواسته ای را توسط دخترم فاطمه به شما برسانم و شرم دارم آن را مستقیماً بازگو نمایم. پیامبر ﷺ از منزل خدیجه علیها السلام بیرون رفت. آن گاه خدیجه علیها السلام دخترش فاطمه علیها السلام را صدا کرد و به او گفت: عزیزم! به پدر بزرگوارت بگو که مادرم می گوید: من از قبر هراسناکم، دوست دارم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی کفن کرده و در قبر بگذاری. فاطمه علیها السلام به نزد پدر آمده و پیام مادرش را رساند. پیامبر ﷺ آن لباس را برای خدیجه فرستاد. هنگامی که فاطمه علیها السلام آن را آورد، نشاط زاید الوصفی وجود خدیجه علیها السلام را فرا گرفت. آن گاه حضرت خدیجه علیها السلام با دلی آرام چشم از جهان فرو بست. پیامبر اکرم ﷺ مشغول تجهیز و غسل و حنوط وی شد، هنگامی که خواست خدیجه را کفن کند، حضرت جبرئیل امین نازل شد و گفت: یا رسول الله! خداوند سلام می رساند و می فرماید: کفن خدیجه علیها السلام به عهده ماست و آن یک کفن بهشتی خواهد بود. پیامبر اکرم ﷺ اول با پیراهن خود و از روی آن با کفن بهشتی خدیجه علیها السلام را کفن کرد.

(ج دلجویی و دلداری همسر:

خانواده کانون آرامش و راحتی بخش هر انسانی است. مردی که در بیرون خانه با هزاران مشکل و گرفتاری رو به روست و گاهی در راه رسیدن به هدف و کسب روزی حلال سخنان ناروا شنیده و لطمات روحی و جسمی زیادی را متحمل می شود، انتظار دارد که کسی از وی دلجویی کرده و حرف دلش را شنیده و با کلمات شفا بخش و برخورد های آسایش آفرین مرهم گذار دردهای انباشته در دل او باشد. حضرت خدیجه علیها السلام چنین همسری برای پیامبر اکرم ﷺ بود. مشرکان با سخنان توهین آمیز و اعمال وقیحانه ای پیامبر اکرم ﷺ را ناراحت می کردند و از این ناحیه مشکلات فراوانی پیش روی پیامبر اکرم ﷺ بود، اما همه این گرفتاری ها به وسیله خدیجه علیها السلام جبران می شد. او شخص پیامبر ﷺ و مشکلات آن حضرت را آگاهانه درک می کرد و بدین جهت در پیشرفت اهداف آن حضرت تلاش می نمود و سخنانش را تصدیق می کرد و او را از تمام غم ها و غصه ها می رها نمود. علامه سید شرف الدین در این مورد می نویسد: «او مدت ۲۵ سال با پیامبر ﷺ زندگی کرد بدون آنکه زن دیگری در زندگی او شریک شود و

اگر در حیات باقی می ماند، پیامبر ﷺ باز هم شریک دیگری انتخاب

نمی کرد. او در تمام طول زندگی زناشویی شریک درد و رنج پیامبر ﷺ بود، زیرا با مال خود به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از او



# ثروت حضرت خدیجه (س) و پیشرفت اسلام

نفعنی مال خدیجه؛ (صدوق، محمد بن علی، امالی، قم: موسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق، ص ۴۶۸) هرگز هیچ ثروتی همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشید.

اموال خدیجه (س) به قدری زیاد بود که ظاهراً تا هجرت رسول خدا (ص) به مدینه، توسط آن حضرت صرف تقویت اسلام شد رسول خدا (ص) در واپسین روزهای خود در مکه، به حضرت علی (ع) دستور داد به کمک اموال باقی مانده خدیجه (س) برای هجرت خود و فواطم (فاطمه بنت اسد، فاطمه بنت محمد و فاطمه بنت زبیر بن عبدالمطلب) و کسانی از بنی هاشم که همراه او هجرت کنند، چند عدد شتر بخرد ابوعبیده گوید: به عبدالله بن ابی رافع، گفتند آیا رسول خدا (ص) چیزی داشت که این گونه خرج کند؟ گفت: من از پدرم درباره همین موضوع پرسیدم. گفت: مگر از ثروت خدیجه (س) خبر نداری؟ رسول خدا (ص) فرمود: هیچ مالی به اندازه ثروت خدیجه (س) مرا نفع نداد تا زمانی که رسول خدا (ص) در مکه بود، با مال خدیجه (س) بدهکار و اسیر را آزاد و از ناتوان دستگیری می کرد و به نیازمندان می بخشید و فقرای اصحاب خود را مهمان می کرد و هزینه آنان را که می خواستند هجرت کنند، می پرداخت. خدیجه (س) علاوه بر وقف اموال خود، بهترین یار صمیمی او در خانه و در برابر فشارهای روانی قریش بر رسول خدا (ص) بود. (مجلسی، بحارالانوار، پیشین، ج ۱۹، ص ۶۳)

بدین ترتیب، ثروت خدیجه (س) در راه گسترش اسلام نقش موثری را ایفا کرد؛ به ویژه زمانی که قریش با به کارگیری همه توان خود، از حربه اقتصاد نیز غافل نماند و با ایجاد تنگناهای مالی، مدت سه سال پیامبر (ص) و یارانش را محاصره کامل اقتصادی قرار داد در چنین شرایطی، اموال خدیجه توانست در راه پیشرفت و تقویت اسلام بخش مهمی از توطئه های اقتصادی قریش را خنثی نماید و کمک شایسته ای به مسلمانان در این زمینه باشد. ایثار حضرت خدیجه (س) در صرف اموال خود برای پیشبرد دعوت الهی پیامبر (ص) سرمش زنان مسلمان گشت و آنان در مقاطع مختلف دوران هجرت، با اهدای اموال و زیورات خویش، بنیه های اقتصادی دولت تازه تاسیس مدینه را تقویت کردند و آن را از تنگناهای مالی نجات دادند و با ایثارگری خود، در حل مشکلات اقتصادی مدینه قدم برداشتند.

خدیجه (س) قبل از این که با رسول خدا (ص) ازدواج کند، از ثروتمندترین زنان جزیره العرب بود. بخش مهم ثروت او، از طریق تجارت به دست آمده بود به نظر می رسد، دست کم بخشی از ثروت حضرت خدیجه (س) از طریق پدرش به وی به ارث رسیده باشد حضرت خدیجه (س) اموالش را به مضاربه به مردان امینی می سپرد تا به سفرهای تجارتي بروند و بعد از بازگشت، سود حاصله را برابر قانون مضاربه تقسیم کنند از این رو، با شناختی که قبل از بعثت از درایت، راست گویی، امانت داری و اخلاق نیکوی رسول خدا (ص) داشت از او خواست تا به همراه غلامش میسر، برای تجارت به شام برود. (ابن کثیر، ابوالفداء، حافظ، البدایه و النهایه، بیروت: دارالکفر، ۱۳۹۸ ق، ج ۲، ص ۲۹۴)

رسول خدا (ص) با پذیرفتن پیشنهاد خدیجه (س) کاروان را تا شام همراهی کرد و با داد و ستدهای خود، کاروان را از سود سرشای بهره مند ساخت. خدیجه (س) نیز آنچه را که وعده کرده بود، به آن حضرت پرداخت.

راز موفقیت خدیجه (س) در تجارت، به کارگیری مردان امین و با درایت بود درباره مقدار دقیق اموال این بانوی بزرگوار به هنگام ظهور اسلام، سندی در دست نیست؛ ولی از آنجا که قریش تشکیلات اقتصادی کارآمدی داشت و تجارت نقش اصلی را در اقتصاد آنان ایفا می کرد، می توان تخمین زد که ثروت بازرگانی خدیجه (س) در منطقه حجاز، نقش موثر و پراهمیتی را برای معرفی و پیشبرد اسلام ایفا کرده و در جاهای مختلف، غبار غم از چهره مبارک رسول خدا (ص) زدوده است.

حضرت خدیجه به جهت انفاق اموال خود، مصداق کامل و بارز آیه شریفه ۲۶۲ سوره بقره (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) است که می فرماید: آنان دارایی های خویش را در راه خدا انفاق می کنند. آنگاه از پی آنچه انفاق نموده اند، نه منتی می گذارند و نه آزاری می رسانند (اینان) پاداش شان نزد پروردگارشان محفوظ است و آنان نه بیمی خواهند داشت و نه اندوهگین می شوند. آری، آن حضرت بدون هیچ گونه چشم داشتی، همه اموال خویش را در راه اقامه توحید در جامعه شرک آلود جهان عصر بعثت، در اختیار آخرین فرستاده الهی گذاشت. رسول خدا (ص) فرمود: ما نفعنی مال قط مثل ما



## حضرت خدیجه (س)

### از حضرت محمد (ص)

اینک نمی دانم که او زنده است یا کشته شده است؟ مقداری آب و غذای «حیس» (که یک نوع حلوا بود و از خرما و روغن و آرد درست می شد) به من بده و با من بیا تا به جستجوی او بپردازیم، که اکنون او تشنه و گرسنه است.

خدیجه علیها السلام با برداشتن غذا و آب، از خانه بیرون آمد، و همراه علی علیه السلام به طرف کوه حرکت نمودند، تا به کوه رسیدند، حضرت علی علیه السلام به خدیجه علیها السلام فرمود: تو به طرف دره کوه برو، و من به بالای کوه می روم.

علی علیه السلام فریاد می زد: «ای رسول خدا ﷺ! جانم به فدایت کجا هستی؟ و در کدام گوشه افتاده ای؟»

حضرت خدیجه علیها السلام با آهی جان کاه گفت:

«من احس لی النبی المصطفی؟ من احس لی الربیع المرتضی؟ من احس لی المطرود فی الله؟ من احس لی ابوالقاسم؟»

چه کسی از پیامبر برگزیده برای من خبر می آورد؟ چه کسی از بهار پسندیده ی به من اطلاع می دهد؟ چه کسی از آن شخص که در راه خدا رانده شده مرا آگاه می کند؟ چه کسی از ابوالقاسم مرا با خبر می نماید؟!»

در این هنگام جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد، وقتی که پیامبر ﷺ او را دید اشک در چشمانش سرازیر شد و فرمود: «می بینی که قوم من با من چه کردند؟ مرا تکذیب کردند و از جامعه راندند، به من حمله نمودند.»

جبرئیل عرض کرد: «ای محمد! دست را به من بده.» آنگاه جبرئیل دست آن حضرت را گرفت و او را بر بالای کوه نشانده، و فرش مخملی بهشتی از زیر پرش بیرون آورد، و آن را بر زمین کوه گسترانید، و پیامبر ﷺ را روی آن نشانید، و آنگاه فرشتگان مقرب هر کدام پس از دیگری به حضور پیامبر ﷺ آمدند و از او اجازه خواستند، تا مشرکان را نابود و هلاک کنند، ولی پیامبر ﷺ فرمود: «من به عنوان عذاب رسانی مبعوث نشده ام، بلکه به عنوان رحمت برای جهانیان برانگیخته شده ام: «من و قومم را به خود واگذارید، آنها ناآگاه هستند.»

در این هنگام جبرئیل به حضرت خدیجه علیها السلام نگاه کرد که در وادی کوه در جستجوی گمشده ی خود بود، به رسول خدا ﷺ عرض کرد: «آیا به خدیجه علیها السلام نمی نگری که فرشتگان آسمان از گریه ی او گریستند، او را به سوی خود بخوان، و سلام مرا به او برسان، و به او بگو خداوند به تو سلام می رساند، و او را

ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل وجه مناسب اجتماعی توانست بارها پیامبر اکرم ﷺ را از شر افراد نادان برهاند؛ محققان اسلام در شأن خدیجه علیها السلام چنین گفته اند: «و کانت خدیجه وزیرة صدق علی الاسلام، و کان رسول الله یسکن الیه»؛

خدیجه علیها السلام وزیر راستین اسلام بود، و رسول خدا ﷺ به وسیله ی (یاری ها و حمایت ها و محبت های) او آرامش می یافت، و تسلی خاطر پیدا می کرد.» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۱)

اگر می خواهید به اوج ایثار سخاوتمندانه و مخلصانه ی حضرت خدیجه علیها السلام، و اوج مقاومت، پشتکار، تحمل، پایداری و پویایی خدیجه علیها السلام پی ببرید به ماجرای عجیب زیر توجه کنید:

در سال ششم یا پنجم بعثت پس از نزول آیه ی ۹۴ و ۹۵ سوره ی حجر در مورد آشکار نمودن اسلام، (فاصدع بما تؤمروا عرض عن المشرکین؛ آنچه را مأمور هستی آشکارا بیان کن، و به (کارشکنی) مشرکان اعتنا نکن.) مشهور این است که این آیه در آغاز سال چهار بعثت نازل شد. رسول خدا ﷺ در موسم حج بر بالای کوه صفا آمد. با ندای بلند سه بار فرمود:

«یا ایها الناس انی رسول الله رب العالمین؛ ای مردم! من رسول خداوند پروردگار جهانیان هستم.»

مردم به سوی آن حضرت چشم دوختند.

سپس رسول خدا ﷺ بر بالای کوه مروه آمد و دستش را بر گوشش نهاد و سه بار با صدای بلند فرمود:

«یا ایها الناس انی رسول الله؛ ای مردم! من رسول خدا هستم.»

در این هنگام بت پرستان با چهره ی خشم آلود، به او چشم دوختند، ابوجهل آن چنان سنگ به سوی آن حضرت انداخت، که بین دو چشمانش شکافته شد، سایر مشرکان نیز به دنبال ابوجهل، آن حضرت را سنگباران نمودند.

رسول خدا ﷺ به سرعت به طرف کوه شتافت، و بر فراز آن رفت، و در آنجا به سنگی تکیه کرد، مشرکان هم چنان در جستجوی آن حضرت، به هر سو می دویدند.

در این هنگام مردی نزد حضرت علی علیه السلام (که در آن هنگام حدود سیزده سال داشت) آمد و گفت: «محمد ﷺ کشته شد.»

حضرت علی علیه السلام سراسیمه به سوی خانه خدیجه علیها السلام دوید، و در را کوبید، خدیجه علیها السلام پشت در آمد و فرمود: کیست؟

علی علیه السلام: من هستم.

خدیجه علیها السلام: محمد ﷺ کجاست؟

علی علیه السلام: خبر ندارم، ولی اطلاع یافتم که مشرکان او را سنگباران کردند.





مژده بده که در بهشت دارای خانه ای که از یک قطعه ی بلورین ساخته شده و آراسته به طلا است، می باشد، که در آن هیچ گونه رنج و نگرانی نیست. (طبق روایت دیگر، جبرئیل گفت: «این خدیجه علیها السلام است که همراهش ظرف غذا که آن را پوشیده می آورد، وقتی که آمد از طرف خدا و من به او سلام برسان...» (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸)

آنگاه پیامبر ﷺ چشمش به خدیجه علیها السلام افتاد و او را فراخواند، در حالی که از صورت پیامبر ﷺ قطره های خون (بر اثر شکاف بین دو چشمش که از ناحیه ی سنگ زدن ابوجهل پیدا شده بود) به سوی زمین سرازیر بود، و او آن خون ها را پاک می کرد. خدیجه علیها السلام وقتی که به رسول خدا ﷺ نزدیک شد و چهره خونین او را دید، با آهی جانکاه گفت: «پدر و مادرم به فدایت بگذار قطرات خون چهره ات بر زمین بریزد.» پیامبر ﷺ فرمود: «می ترسم پروردگار زمین بر اهل زمین غضب کند.»

آن روز به شب رسید، پیامبر ﷺ از تاریکی شب استفاده کرده و همراه علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام به خانه بازگشتند. خدیجه علیها السلام به خانه ی خود، آن حضرت را در حجره ای که دیوارهایش با سنگ ساخته شده بود، جای داد، و سقف آن را با تخته سنگ هایی پوشانید و در روبروی آن حضرت ایستاد و او را به وسیله ی جامه اش پنهان کرد، مشرکان آمدند و به سوی جایگاه پیامبر ﷺ سنگ می انداختند، و از هر سو سنگ می بارید، دیوارها و سقف سنگی جایگاه، هم چون سپر، از نفوذ سنگها جلوگیری می نمودند، و آن سنگ هایی که از طرف روبرو افکنده می شد، خدیجه علیها السلام خود را سپر آن سنگ ها قرار می داد تا به بدن نازنین پیامبر ﷺ اصابت نکنند، و در این هنگام خدیجه علیها السلام فریاد می زد: «ای گروه قریش! آیا زن آزاد را در خانه ی خود سنگباران می کنید؟» وقتی که مشرکان این ندا را شنیدند، منصرف شدند و از آنجا رفتند. بامداد روز بعد رسول خدا ﷺ از خانه خارج شد، و کنار کعبه رفت و در آنجا به نماز ایستاد، و به راز و نیاز با خدا پرداخت. (بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۴۱ و ۲۴۳)

### حمایت ها و عاطفه

برطرف نمودن نگرانی حضرت محمد ﷺ در اثر

### دریافت همی و ابلاغ آن

وقتی که وحی بر پیامبر اکرم ﷺ از جلال و جبروت خداوند از حال رفت. بعد از آن هم نگران انکار مردم و عدم پذیرش آنها و هراسان از آن مسؤولیت بزرگ بود، لذا وقتی که وارد خانه شد آنچه را که دیده و شنیده بود را برای همسر خود نقاش کرد و دلنگرانان، های خویش را بازگو نمود.

حضرت خدیجه علیها السلام کمترین اثری از ترس و تردید ظاهر ساخت و نگاهی از روی احترام به او کرد و گفت:

«شاد باش و پایدار، به خدایی که جان خدیجه در دست اوست من امیدوارم که تو پیغمبر این امت باشی. خدای تعالی تو را خوار نخواهد کرد، تو با خویشان نیکی می کنی، راست می گویی، رنج میبری، از مهمان پذیرایی می کنی و از تحمل زحمت در راه حق باکی نداری.»

پیامبر اکرم ﷺ با شنیدن سخنان حضرت خدیجه علیها السلام از روی حق شناسی به وی نگاه می کرد و آرامش می یافت.

زدودن غم و اندوه از پیامبر اکرم ﷺ به هنگام از

### دست دادن فرزندان

قاسم و عبد الله پسران رسول خدا ﷺ بودند که در دوره کودکی وفات یافتند و پیامبر ﷺ را در غم مرگ خویش غمین ساختند - تا ابتلا به امتحان دیگری رخ دهد و حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر اکرم ﷺ سزاوارتر از گذشته بر ایمان و اعتقاد خود بیافزایند - مسلماً مرگ فرزندان، در روح پدر و مادر اثری عمیق به جای گذاشته و قلب پیامبر ﷺ و خدیجه علیها السلام از غم فقدان آنها جریحه دار شده است، مخصوصاً در آن زمان که دختران را زنده به گور می کردند و پسران را بیشتر از خودشان دوست می داشتند و طبق فرهنگ جاهلی آن دوران روشنی خانه و خاندان به وجود فرزند پسر بود چرا که تنها پسر صلاحیت داشت جای پدر را بگیرد و دختر و زن موجودی بسیار تحقیر شده بودند، می توانیم حدت بزنیم که غم مرگ دو پسر تا چه اندازه دردناک بوده است.

در «تاریخ یعقوبی» نقل شده است:

«هنگامی که قاسم از دنیا رفت نگاه پیامبر ﷺ در کنار جنازه او به یکی از کوه های مکه افتاد و فرمود: ای کوه آنچه به من در مورد مرگ قاسم وارد شد اگر بر تو می آمد متلاشی می شدی.»

حضرت خدیجه علیها السلام برای کم کردن این غم و ناراحتی پیشنهاد و اقدام به خرید «زید بن حارثه» می نماید و سپس او را آزاد اعلام می نماید و با تمایل خود او و پدرش، رسول خدا ﷺ او را به فرزندی می پذیرد تا جای خالی فرزندش را پر نماید و او را زید بن محمد ﷺ می نامد. پس از بعثت هم مردی که به امام امیر مؤمنان علی علیه السلام ایمان آورد و یکی از بهترین یاران و پیروان ایشان گشت «زید» بوده است.



آن هنگام که آماج تهمت ها و افتراها بود و در هر کوی و برزنی، نادانان، با حربه های جاهلیت به استقبالش می رفتند و با خاکستر داغ و خار های بی دانشی زیر رگبار جسارت های خویش می گرفتند، این دست مهربان و پر محبت خدیجه علیها السلام بود که مرهم امید و حیات بر جراحات جسم و جانش می گذاشت و برای ادامه راه رهایی امت آماده اش می ساخت. در اینجا نمونه ای از آزار و اذیت قریش را ذکر می نماییم:

۱- طارق مجاری می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدیم که در میان مردم به صدای بلند می فرمود: - قولوا لا اله الا الله تفلحوا- و مردم را به اسلام و یگانه پرستی دعوت می نمود. ابولهب قدم به قدم وی را دنبال می کرد و به طرف آن حضرت سنگ می انداخت به حدی که پای آن گرامی خونین بود. پیامبر همچنان مردم را ارشاد می فرمود و ابولهب فریاد می زد: مردم این مرد دروغگوست، به حرف های او گوش ندهید».

حال علاوه بر آزار و اذیت خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یاران ایشان و افراد تازه مسلمان نیز، مورد ظلم، آزار و وحشیانه ترین شکنجه های ضد بشری قرار می گرفتند. رسول خدا از آزار و اذیت تازه مسلمانان شدیداً رنج می برد. آزار و شکنجه های بدنی، وسیله ضد انسانی دیگری بود که قریش برای سرکوب نهضت پیامبر از آن استفاده می کرد؛ لیکن این وسیله ناجوانمردانه منجر به مرگ عده ای از افراد با ایمان صدر اسلام گردید، پیامبر را از پای در نیاورد. و سلام همچنان به پیش رفت و او با صلابت باقی ماند. اینجاست که عظمت کار خدیجه علیها السلام به عنوان همدم و یار پیامبر صلی الله علیه و آله روشن می گردد. نقش اساسی ایشان در پیشرفت و پیشبرد اهداف مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و برطرف کردن غم و اندوه و ناراحتی و فشار آزار و اذیت های روحی و جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار با ارزش و مهم بوده است. حضرت خدیجه علیها السلام با آرامش دادن پیامبر و تقویت روحیه ایشان خدمت بسیار بزرگی به اسلام و قرآن نموده است.

«حضرت خدیجه وزیر راستین اسلام (مشاور خردمند) بود و رسول خدا با مهر و صفای او آرامش می یافت».

عبد العزیز شناوی از علمای اهل سنت مصر درباره ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد: «خدیجه طاهره از نعمت های با ارزش خداوند متعال بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، که با آن حضرت بیست و پنج سالی زندگی کرد و به او در ساعات گرفتاری مهربانی نمود و در سخت ترین اوقاتش او را کمک کرده و در ابلاغ رسالتش او را یاری می نمود و در جنگ های تلخ خسارت دارش با او شرکت کرده و با جان و مالش او را پشتیبانی می نمود...»

اینجا نقش بانوی دور اندیش و خرد مند حجاز آشکار می شود که با وجود غم و اندوهی که بر قلب خودش مستولی بود برای کاستن غم و اندوه همسر گرانقدرش بر اساس شواهدی در تاریخ پیشنهاد خرید «زید بن حارثه» را می دهد و با امید دادن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخت ترین شرایط و دلداری دادن به او در برابر فشارها و احساس دلتنگی ها و زدودن گرد و غبار اندوه از گستره ی دل بیکران او با ظرافت و درایت و ایمان به خدا گامی دیگر در راه حمایت از اسلام برداشت.

## تسکین دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل آزار دشمنان

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که رسالت خود را آغاز کردند با دشمنی سرسختانه ی دشمنان اسلام مواجه گردیدند تا جایی که فرمودند: «ما أودى نبی مثل ما أودیت» هیچ پیامبری مانند من آزار ندید. متأسفانه اکثر مخالفین ایشان از منسوبین آن حضرت - از قبیل ابولهب - بودند در این میان فقط چند نفر بودند که از آن حضرت حمایت می کردند؛ از جمله: حضرت خدیجه علیها السلام، امیر مؤمنان علی علیه السلام، حضرت ابوطالب علیه السلام و حضرت حمزه علیه السلام. «محمد بن اسحاق» روایتی را نقل می کند و می گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر وقت که از آزار اذیت های قریش محزون و آزرده می شد هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی کرد مگر خدیجه علیها السلام هرگاه که او را می دید مسرور می شد و خوشحال می گردید و خدیجه علیها السلام آن بزرگوار را در بر می گرفت و می بوسید و امر قریش را آسان می نمود و برای سلامتی آن حضرت صدقه می داد».

حضرت خدیجه علیها السلام با ایمان پاک و محبت خلل ناپذیر خود برای محمد صلی الله علیه و آله پشتیبانی وفادار بود که زنگ غم از آینه ی روح بزرگش می زدود و او را تقویت می نمود. خدیجه علیها السلام یار و غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بعثت بود و پس از آن هم با تمام وجود حامی افکار و اندیشه های توحیدی ایشان محسوب می شد و به دلیل موقعیت مقبول و ممتازی که داشت پناهگاهی برای محمد صلی الله علیه و آله به حساب می آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله آزار و اذیت و بی ادبی مشرکین را با وجود او به آسانی تحمل می کرد. آنگاه که دشنامش می دادند و مورد ریشخند قرار می گرفت و با سنگ پرانی و دهن کجی آزرده خاطر می شد با تکیه به نوید های وحیانی جبرئیل علیه السلام و همدلی خدیجه علیها السلام بود که دیگر باره برای انجام مسؤولیت به پا خاسته و فرید و توحیدی خویش را از سر می گرفت.



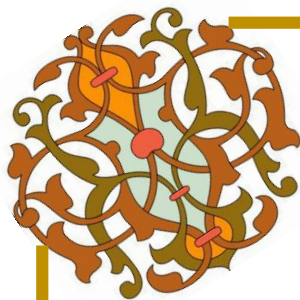
## هاله‌ی نور حضرت خدیجه علیها السلام

توان بخش صفوف مؤمنان بود  
به تنهایی چو یک لشکر، خدیجه  
چو می شد سگباران خانه‌ی او  
به پیش مصطفی سگر، خدیجه  
به شام تار خورشید نبوت  
بود مهتاب روشنگر، خدیجه  
وفا و عشق و عفت، زینت اوست  
ندارد غیر ازین زیور، خدیجه  
چه خوش «الله اکبر» گفت و بگذشت  
ز جان و مال و سیم و زر، خدیجه  
همین وارستگی، شایسته‌ی اوست  
چو زهرا را بود مادر، خدیجه  
کشد بار عطای آسمانی  
چو باشد مادر کوثر، خدیجه  
چه کوثر، آنکه یکتا همچو طاهاست  
صدف شد بر چنین گوهر، خدیجه  
ز نامش مادران برخود ببالند  
که دارد یک چنین دختر، خدیجه  
چه خوش باشد غلام خود بخواند  
«حسان» را در صف محشر، خدیجه

«حسان»

مُحمّد را نکو همسر خدیجه  
عزیز قلب پیغمبر خدیجه  
یقین باشد، پس از زهرا و زینب  
بود از هر زنی برتر، خدیجه  
پناه امتی بود و، نبی را  
به روز بی کسی، یاور، خدیجه  
گهی غمخوار، او هنگام سختی  
صفا بخش دل شوهر، خدیجه  
گهی با خنده‌ی نوش آفریش  
سرور قلب آن سرور، خدیجه  
میان دلبران، همتای او کیست؟  
دل «لولاک» را دلبر، خدیجه  
زنی چون حوریان، مجذوب شوهر  
همه آسایش همسر، خدیجه  
وجود «رحمه للعالمین» را  
پرست «ار و نوازشگر، خدیجه  
گرفته با ادب، چون هاله‌ی نور  
چراغ وحی را در بر، خدیجه  
به طوفان بلا چون کوه، محکم  
به کشتی امان، لنگر خدیجه  
مبارز محرمی، همراز و نستوه  
شکوه غم، ز پا تا سر، خدیجه





## حضرت خدیجه (س) اولین بانوی راوی حدیث

با تتبع و جستجو در کتاب هایی که پیرامون حضرت خدیجه علیها السلام به نگارش در آمده است، کمتر به این موضوع پرداخته شده که حضرت خدیجه علیها السلام از محدثات شیعه اولین بانوی راوی حدیث در قرن اول هجری می باشد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نقل نموده اند، لذا ما بر خود لازم دیدیم که به اجمال به این بحث بپردازیم.

کتاب هایی که در شرح احوال و زندگانی بزرگان اسلام نوشته شده، بیانگر این حقیقت است که در هر زمان، بخش مربوط به زنان با سهل انگاری و کم اعتنائی توأم بوده است. در نقل احادیث و شرح تواریخ همواره سعی شده، ارزش گفتار و نقش بانوان، کم رنگ و بی ارزش نشان داده شود. (البته استثنای احادیث و شرح حالعایشه به دلیل اغراضی، به تواتر نقل گردیده است)؛ به عنوان مثال، در میان کتاب های اهل سنت، کتاب ۸ جلدی «الطبقات الکبری»، «ابن سعد» که کهن ترین اثر مکتوب در معرفی اصحاب رسول خدا در قرن سوم است، ۷ جلد آن به معرفی مردان و تنها جلد ۸ به معرفی بانوان اختصاص دارد.

از آنجا که شیعه همواره در طول تاریخ مظلوم واقع شده و سعی در محو مفاخر شیعه و آثارشان شده است، لذا بر خود لازم دیدیم که از حضرت خدیجه علیها السلام که همواره در خدمت خانوان رسالت و محرم اسرار ایشان بوده و در بیان احادیث سهم بسزایی داشته و جزء نمونه های برجسته و الگوهای عالی، سهم بسزایی در انتقال احکام اسلامی و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته است ذکر حدیث نماییم و راویان از ایشان را هم معرفی نماییم.

در کتاب «رجال صحیح بخاری» (ج ۲، ص ۸۳۵) نام مبارک حضرت خدیجه علیها السلام در زمره بانوان راوی حدیث ذکر شده است. حضرت خدیجه علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند و ابن عباس، اسماعیل بن ابی حکیم مولی الزبیر و عبدالله بن حارث از ایشان روایت نموده اند.

«طبرانی» به سند خود از عبد الله بن حارث از خدیجه علیها السلام در خصوص جایگاه فرزندان در آخرین نقل روایت می کند: «... عن الأزرق بن قیس عن عبدالله بن حارث عن خدیجه علیها السلام قالت: قلت یا رسول الله صلی الله علیه و آله این أطفالی، قال فی الجنة، قلت بلا عمل قال الله أعلم بما کانوا عاملین» (المهجم الکبیر، ابو القاسم سلیمان بن احمد طبرانی، ج ۲۳، ص ۱۶)

منبع: خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری نوشته حسین تهرانی، ص ۹۸





اسناد تاریخی نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام، زن شریف و ثروتمند و صاحب امکاناتی بود که به تجارت گستردهای مشغول بود. کارگزاران و کارمندان و عوامل اجرایی راه از میان انسان های سالم و امانت دار و درست کار و آزمون شده استخدام می کرد و خودشان هم در مرکز و خانه و محل کارش می نشست و این کاروان تجارتی را با مدیریت قوی خود هدایت می کرد و به کارهای اقتصادی خود می رسید.

با دقت در انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، طوری تنظیم و تدبیر و برنامه ریزی می کرد که مورد تحسین کاروان بزرگ تجارتی اش می بود. از یمن به حجاز می رفت و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری، و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می آورد.

از «زن» اگر به شرایط آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن زمان آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل حقوق انسانی و اجتماعی اش را به یاد آوریم، و زنده به گور کردن دختران را بدانیم، آنگاه اداره ی امر مهم اقتصادی به وسیله ی یک دختر هوشمند و پاک منش و به مدیریت توانمند و ظریف او، ما را به شخصیت و ویژگی معنوی و برجسته و ابتکار او در کارها و روح مدیریت و سازندگی او آشناتر می کند که واقعاً او در آن روزگاراها، خردمندترین و خردمندترین و کارآمدترین زنان بود.

از همه مهم تر او بر طبق رسم رایج بازار آن زمان، یعنی احتکار و انحصار، کم فروشی و فریب، رباخواری و بهره کشی های ظالمانه رایج و از هر نوع حرام خو ارگی مرئی و نامرئی و سوءاستفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت دوری می کرد و کار پر شرافت خود را به این گناهان بزرگ آلوده نمی کرد و به کارگران و کارمندان و مدیران خود نیز هشدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را با صداقت و هوشمندی و از راه های مشروع و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت و تعهد و تخصص به دست آورند.

او به دلیل همین ویژگی های برجسته اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه ای را هم به دست آورده بود و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم باز می کرد، در نتیجه راه های موفقیت او بازتر می شد و مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و... قرار می گرفت.

منبع: ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه، نوشته: مهدی وزنه، ص ۱۷

شگفت آورترین صحنه زندگی خدیجه علیها السلام مربوط به قبول ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و امامت اولاد امیرمؤمنان علیه السلام است با این که در آن وقت به قبول ولایت مکلف نبود، چون این تکلیف بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، وجوب می یافت. ولی او در زمان ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از امامت ائمه اطهار - که از نسل فرزندش فاطمه علیها السلام هستند - شنیده بود. لذا قدر و منزلت امیر مؤمنان علیه السلام را می دانست.

علامه مجلسی در این باره می نویسد:

«یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله همسر مهربانش را خواست. او را در کنار خود نشاند و فرمود: «این جبرئیل است که می گوید، اسلام شروطی دارد: اول، اقرار به یگانگی خداوند، دوم، اقرار به رسالت رسولان. سوم، اقرار به معاد و عمل به اصول شریعت و احکام آن. چهارم، اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرين از فرزندان او همراه با برائت از دشمنان آن ها».

در پی این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام به همه آن ها اقرار کرد و یک به یک تصدیق فرمود. در مورد امیر مؤمنان علی علیه السلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خصوص به خدیجه علیها السلام فرمود:

«هو مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی؛ علی مولای تو و مولای مؤمنان و امام آن ها پس از من است.»

رسول گرامی صلی الله علیه و آله بعد از آن که عهد اکید از خدیجه علیها السلام گرفت، اصول و فروع، واجبات و محرمات را به وی آموخت. آن گاه، دست خود را بالای دست امیر مؤمنان علیه السلام گذاشت و خدیجه علیها السلام دست خود را بالای دست پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و به این صورت بیعت کرد.

از حدیث «ما کمل من النساء الا اربعةً آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد» هم ظاهر می شود که آن بانوی بزرگوار به تمام اصول و فروع دین اسلام ایمان آورد.

منبع: ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹



# اقدامات منافقان برای تخریب زندگی ام المؤمنین (س) و نتایج آن

تا آنجا که توانستند فضائل و مناقب ایشان را حذف نمودند یا به دیگران نسبت دادند تا از فروغ جلوات ایشان در نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به طرف دیگران متمایل سازند. این موارد از مهمترین اقدامات منافقین در مسیر تحریف تاریخ زندگی حضرت خدیجه کبری علیها السلام باشد. نتیجه این اقدامات، ورود تحریفات عدیده در تاریخ زندگی آن بزرگوار می باشد. باید به این نکته اذعان نمود که این اقدامات نتایج بسیار زیادی در تاریخ صدر اسلام برجای گذارد.

نشر و نقل و کتابت روایات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از طرف دیگر، راه جعل و تحریف را در تمامی امور مربوط به دین باز کرده بود! به صورتی که کافی بود فرعی از فروع دین و یا جزیی از اجزاء اعتقادات اسلامی کوچکترین ضرری برای دستگاه حکومتی خلفاء و همچنین توابع آنان داشته باشد تا آن را به کلی حذف نموده و یا چنان دستکاری کنند که دیگر کارایی خود را از دست بدهد. این روند چنان به شدت دنبال شد که حتی عبدالله بن عمر هم به این مسئله اقرار نموده است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله حتی نماز هم از خطر تحریف مصون نماند. در یک چنین شرایطی منافقین دست به تحریف در زندگی ام المؤمنین خدیجه علیها السلام زدند و به وضوح روشن است که اقدامات آنان در این شرایط چه نتایج مخربی توانست به دنبال داشته باشد. آنان با این اقدامات موفق شدند در اذهان جمیع مسلمین در تمامی اعصار این چنین وانمود کنند که: اولاً: خدیجه کبری علیها السلام محبوبترین زنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نبود به علت آنکه او بیوه بود و تفاوت سنی زیادی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت و به قول خودشان عجزه ای از عجائز قریش بوده است. بلکه توجه پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر معطوف عایشه جوان بوده است و او را در خاطر خود عزیز می داشته است.

منافقان تا آنجا که توانستند برای عایشه و حصه منقبت جعل کردند تا برای آنان مجالی برای خودنمایی در بین عوام از مردم درست کنند؛ به عنوان مثال روایتی مانند روایت چهار زن برگزیده ی بهشتی که به آن اشاره نمودیم را جعل کرده و در آن به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله عایشه را افضل زنان عالم معرفی کردند؛ حال آنکه آنان از فهم این مطلب غافل بودند که حب و بغض یا تعریف و تقبیح پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام مانند بسیاری از افراد بشر، برگرفته از امیال و غرائز بشری نمی باشد؛ بلکه این تعریفات و ابراز محبت ها و یا تقبیحات و اظهار ناخشنودی ها تنها و تنها با یک معیار انجام شده و آن معیار، تقوی است زیرا به واسطه آیه کریمه «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» معیار محبت و کرامت در نزد خداوند فقط است و با توجه به آیه «لا ینطق عن الهوی» تقوی میبایشد می بایست اذعان نمود که تمامی فرمایشات و گفتار صادره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فقط به اذن حق تعالی و مطابق با خواست او بیان شده است.

لذا با کنار هم قرار دادن دو مقدمه فوق بسیار واضح است که امکان ندارد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معیاری جز تقوا را در تأیید یا رد افراد داشته باشند. اکنون قضاوت در این مورد بسیار آسان است که عایشه ای که به تصریح علمای اهل تسنن بارها اسباب اذیت و آزار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را فراهم کرد، عایشه ای که بعد از شهادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نه تنها سفارشات ایشان را در مورد مودت به ذوی القربی رعایت نکرد، بلکه به جنگ با امیر المؤمنین علیه السلام برخاست؛ عایشه ای که بعد از شهادت سبط اکبر پیامبر صلی الله علیه و آله سوار بر قاطر، دستور تیرباران پیکر مطهر ایشان را داد، آیا با این همه جنایات، دارای معیار تقوی است و آیا هیچ انسان عقل و خردی باور می کند پیامبری که علم به گذشته و آینده دارد و همانگونه که ما اطلاع از گذشته داریم او نیز از آینده مطلع است، عایشه راسیده زنان عالم خوانده باشد و او را به عنوان یکی از چهار زن بهشتی یاد نموده باشد؟

در چینش زندگی حضرت ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام دست بردند و آن را به نحو دلخواه خود عوض کردند و آنگونه که مطابق مصالحشان بود ایشان را به مسلمین معرفی کردند. از جمله زندگی ایشان قبل از ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، سن ایشان، فرزندان حضرت و ... موارد قابل تحریف منافقین می باشد.



ثانیاً: خدیجه کبری (علیها السلام) در سن چهل سالگی در حالی که قبلاً با دو کافر ازدواج نموده بود به نکاح پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در آمده است.

ثالثاً: پشتوانه مالی اسلام در سیزده سال حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مکه ثروت ابی بکر که اتفاقاً پدر عایشه هم می باشد، بوده است و ثروت ام المؤمنین خدیجه کبری (علیها السلام) راه پیشبرد اهداف دین تاثیر نداشت و یا در مقابل آن به حساب نمی آید.

آنان با نشر این اکاذیب و رسوخ دادن آن به درون تاریخ، سعی در مخدوش کردن جلوه ام المؤمنین (علیها السلام) داشتند و به گونه ای ماهرانه این کار را انجام دادند که در مرحله نخست هر شخصی سر تسلیم در مقابل آن فرود می آورد، اما غافل از این مسئله بودند که اولاً برخی از این تحریفات با مسلمات اعتقادی مخالف است و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به علت اتصال به ائمه اطهار (علیهم السلام) از چنان استغنائی اعتقادی برخوردارند که اگر هزار دلیل تاریخی بر خلاف اعتقادات آنان وجود داشته باشد، کنار زدن آن را آسان و سهل می بینند.

پس در نظر آنان اینگونه نمی باشد که تنها ورود یک مطلب در تاریخ، دلالت بر حقیقت آن مطلب نیز داشته باشد، بلکه پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در مرز تعالیم آن بزرگواران حرکت می کنند؛ هر چه با آن موافق بود را می پذیرند و هر چه مخالف بود را رد می نمایند. و مطلب بعد اینکه: در تمامی موارد یاد شده ادله و شواهدی در تاریخ وجود دارد که بیانگر حقیقت محض و باطل کننده و خط تحریف و نفاق می باشد.

## رجعت حضرت خدیجه (س)

### هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)

مطابق روایات بسیار، هنگام ظهور حضرت مهدی (عج)، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و جمعی از اولیاء خدا و یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) و... به دنیا مراجعه نموده و در عصر درخشان ظهور، از دشمنان انتقام می گیرند و مدتی دوباره در دنیا زندگی می نمایند. در این راستا نظر شما را به فرازی از گفتار امام صادق (علیه السلام) به یکی از شاگردان معروفش به نام مفضل بن عمر جلب می کنیم:

«... سپس امام حسین (علیه السلام) در حالی که به خورش رنگین است همراه سایر شهیدان کربلا ظاهر می شوند، هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را با آن وضع می نگرد گریه می کند، اهل آسمان ها و زمین از گریه او می گریند... در جانب راست امام حسین (علیه السلام) حضرت حمزه، و در طرف چپ او حضرت جعفر طیار حرکت می کنند، در این هنگام خدیجه (علیها السلام) می آید در حالی که حضرت محسن (علیه السلام) (فرزند شهید فاطمه علیها السلام) را در آغوش گرفته، همراه فاطمه بنت اسد (مادر علی (علیه السلام)) می آیند و بلند بلند گریه می کنند، حضرت زهرا (علیها السلام) مادر محسن (علیه السلام) پشت سر آنها می آید و فریاد می زند: «هذا یومکم الذی کنتم توعدون؛ این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.» (انبیاء/ ۱۰۳).

آنگاه حضرت امام صادق (علیه السلام) گریه کرد، به طوری که محاسنش از اشک چشمش خیس شد، مفضل نیز گریه ی طولانی نمود... (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۳).

برگرفته از کتاب دانشنامه حضرت خدیجه (علیها السلام)





# صدای قلم

کتاب خصائص ام المومنین خدیجه الکبری (س) - ویژگی های حضرت خدیجه کبری (س)

شامل ۵۳ ویژگی از خصوصیات «ام المومنین» خدیجه الکبری (س)

تألیف: حسین تهرانی

مشخصات نشر: قم، تهذیب، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۰

بخشی از این کتاب:

**حضرت خدیجه (س) الگویی تکرار ناپذیر**

در تاریخ نگاری اسلام پس از غصب خلافت، سعی شده است که شخصیتی مبهم و اجمالی و غیر مؤثر از حضرت خدیجه (س) ترسیم شود تا کارکرد الگویی ایشان از جامعه اسلامی و بویژه برای بانوان و دختران جوان گرفته شود. در صورتی که در زیارات اهل بیت (ع) همه جا نام حضرت خدیجه (س) در کنار نام حضرت زهرا (س) آمده است و این بیانگر نقش تاریخی و شخصیت الگویی و مقام و منزلت آن حضرت می باشد. بانویی ککه از هر لحاظ مظهر کمالات انسانی، ایثار و مقاومت بودند، همسری خردمند، مدیر و مدبر، دلسوز و مهربان، مادری آزموده و فضیلت پرور، مجاهدی مقاوم و صبور، ایثارگری مخلص و بی نظیر و ... بودند.

بانویی که وقتی که پیامبر اکرم (ص) قصد ستودن شیرزن کربلا حضرت زینب کبری (س) را دارند می فرمایند:

«حرمت این دختر را پاس دارید که او همانند حضرت خدیجه (س) است.»

